



فصلیم  
به روایت خلیل زاد

۴

# صبح ۸

سال شانزدهم  
شماره ۳۸۶۱  
یکشنبه  
۲۱ حوت ۱۴۰۱  
۱۲ مارچ ۲۰۲۳

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

واکنش‌ها به حمله بلخ؛

## طالبان در اطلاع رسانه سریع و تأمین امنیت تجمعات کوتاهه می‌کنند



انفجار ناشی از مواد جاسازی‌شده در مرکز فرهنگی «تیبان» در شهر مزار شریف، واکنش خبرنگاران، باشندگان بلخ و نهادهای حامی خبرنگاران را برانگیخته است. این انفجار که دو کشته و ده‌ها زخمی برجای گذاشته است، یک نشست خبری را هدف قرار داد. بیشتر آسیب‌دیده‌گان این حادثه خونین را خبرنگاران شکل می‌دهند.

۵



پرونده تجاوز جنسه افراد طالبان؛

# زنان مصونیت ندارند

طالبان در حدود ۱۹ ماه گذشته، به رغم وضع ممنوعیت‌های گسترده بر زنان، متهم به تجاوزهای جنسی زیادی نیز شده‌اند. شماری از این تجاوزها از سوی قربانیان در رسانه‌ها بازتاب یافته، اما حوادث تلخ و تکان‌دهنده دیگری هم وجود دارد که با در نظر داشت سنت‌های حاکم و هراس از طالبان از نشر باز مانده است.

بیست و دومین سالگرد تخریب پیکرهای بودا؛

## طالبان برای تخریب بیشتر آستین بالا زده‌اند

۶

## طالبان: از سرگیری روابط دیپلماتیک میان عربستان سعودی و ایران اقدام مثبت است

۸ صبح، کابل: وزارت امور خارجه طالبان از سرگیری روابط دیپلماتیک میان ایران و عربستان سعودی را اقدام مثبت خوانده و از آن استقبال کرده است. عبدالقهار بلخی، سخنگوی وزارت امور خارجه طالبان، صبح روز شنبه، ۲۰ حوت، در رشته توییت‌هایی گفته که از سرگیری روابط دیپلماتیک میان عربستان سعودی و ایران اقدامی در جهت تحکیم صلح و ثبات در منطقه است. به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه طالبان، توسعه دیپلماتیک میان تهران و ریاض به گسترش روابط و همکاری‌های چندجانبه در منطقه کمک می‌کند. بلخی از نقش چین برای میزبانی گفت‌وگوها میان عربستان سعودی و ایران نیز سپاس‌گزاری کرده است. روابط دیپلماتیک میان عربستان سعودی و ایران پس از حمله بر سفارت ریاض در تهران و قونسلمگری آن در مشهد در سال ۱۳۹۴ قطع شد. دو کشور اخیراً روابط دیپلماتیک‌شان را از سر گرفته‌اند.



## تفنگداران ناشناس در کنریک نظامی پیشین را کشتند

کنر کشته‌اند. یک منبع معتبر محلی به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که این نظامی پیشین امین‌الحق نام دارد و جمعه‌شب، ۱۹ حوت، در مربوطات شهر اسعدآباد، مرکز ولایت کنر، به قتل رسیده است. بر بنیاد اطلاعات منبع، جسد امین‌الحق بامداد امروز پیدا شده است. مشخص نیست که این نظامی پیشین از سوی چه کسانی کشته شده است. مسوولان محلی طالبان نیز در این مورد چیزی نگفته‌اند.



۸ صبح، کنر: تفنگداران ناشناس یک منسوب امنیت ملی حکومت پیشین را در مرکز ولایت

## طالبان در بغلان از کشف ۷۵ سکه و یک کوزه مربوط به دوره ساسانیان خبر دادند

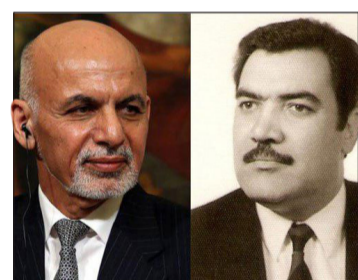


جزییات ارایه نکرده‌اند. گفتنی است که طالبان سال گذشته از ایجاد یک مجتمع برای حفاظت و نمایش آثار تاریخی در کشور خبر داده بودند. این در حالی است که طالبان بارها به دشمنی با میراث‌های تاریخی و عدم توجه به آنان متهم شده‌اند.

۸ صبح، کابل: ریاست اطلاعات و فرهنگ طالبان در ولایت بغلان از کشف ۷۵ سکه و یک کوزه تاریخی مربوط به دوره ساسانیان در این ولایت خبر می‌دهند. خبرگزاری باخترا تحت مدیریت طالبان روز شنبه، ۲۰ حوت، به نقل از مسوولان این گروه در ریاست اطلاعات و فرهنگ بغلان گزارش داده که این آثار تاریخی در جریان ساخت یک سرک در ولسوالی جلگه این ولایت کشف شده است. در گزارش آمده است که این سکه‌ها و کوزه مربوط به دوره ساسانیان بوده و ۱۸۰۰ سال قدمت دارد. طالبان در مورد محل نگهداری این آثار کشف‌شده

## فرجام تلخ هر دو احمدزی

اشرف غنی به نیروهای امنیتی افغانستان به‌ویژه ارتش اعتماد نداشت. این بی‌اعتمادی، از این امر ناشی می‌شد که گمان می‌کرد بدنه اصلی نیروهای امنیتی...



## کمیته جهانی مصونیت خبرنگاران: هدف قرار دادن خبرنگاران اقدامی نفرت‌انگیز و بزدلانه است



## مقام‌های امریکایی و قطری در مورد آموزش دختران در افغانستان گفت‌وگو کردند

۸ صبح، کابل: نماینده ویژه امریکا برای زنان افغانستان در دیدار با معاون وزیر خارجه قطر، در مورد نیاز به گام‌های عملی برای رسیدگی به مساله آموزش دختران در افغانستان گفت‌وگو کرده‌اند. لولوه بنت راشد الخاطر، معاون وزیر امور خارجه قطر، روز شنبه، ۲۰ حوت، از دیدارش با ریئا امیری، نماینده ویژه امریکا برای زنان افغانستان، خبر داده است. او نوشته است: «اقتصاد، امنیت و سیاست‌های منطبق بر دسترسی همه، به‌ویژه دختران و زنان به آموزش تاثیر می‌گذارد.» این دو مقام در حاشیه شصت‌وهفتمین اجلاس کمیسیون مقام زن در سازمان ملل متحد دیدار کرده‌اند. گفتنی است که با تسلط طالبان بر افغانستان، این گروه روی آموزش و تحصیل دختران محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای وضع کرده است.







## طوق بیعت برگردن طالبان بی رضایت

زمزمه‌هایی وجود دارد که شماری از طالبان با پاره‌ای از تصامیم رهبری خود موافق نیستند و در حضور دیگران، به‌ویژه در گفت‌وگو با خارجی‌ها، ناخرسندی‌شان را از آن ابراز می‌کنند. آنان می‌ترسند که این تصامیم هم خشم مردم را افزایش دهد و هم فشار خارجی را، و در نتیجه نظام طالبان سقوط کند. نگرانی از دست دادن منابع و امکانات هنگفتی که امروزه در اختیار مقام‌های طالبان قرار گرفته و این‌که تصامیم رهبرشان سبب از دست دادن این ناز و نعمت شود، سبب انتقادهای نرم از او گردیده است. این زمزمه‌ها ریشه در انتقادات شماری از چهره‌های درشت‌تر طالبان دارد که بدون جرأت نام بردن از رهبر خود، به تکرایی او اشارات تلویحی داشتند، اما نه به صورتی صریح که در معرض خشم قاطع وی قرار بگیرند. در طرف دیگر، کسانی که محاسبات‌شان مبتنی بر خوش‌باوری‌های متکی به اوام و خیالات است، این انتقادهای نرم و خجولانه را به فال نیک گرفته و حساب‌های کلانی بر روی آن‌ها باز کرده‌اند. آنان گمان می‌کنند که این انتقادات غیرمستقیم مقدمه‌ای است برای در گرفتن جنگ قدرت میان طالبان یا کودتایی نظامی که به خلع ملا هیت‌الله از قدرت یا حتا قتل او خواهد انجامید و در پی آن عناصر اصلاح‌طلب طالبان موفق خواهند شد عناصر افراطی‌تر را کنار زده، سپس در ایتلاف با دیگر نیروهای سیاسی، به تشکیل اداره‌ای جدید برای کشور با رویکردی غیر طالبانی تن خواهند داد. آنان از یاد برده‌اند که در گذشته اختلافات داخلی حزب خلق که حتا به قتل رهبر خلاق انقلاب هم انجامید، نتوانست به تغییر رژیم منجر شود.

شکی نیست که در میان جناح‌های طالبان، رقابت‌های داخلی و جنگ قدرت به شکل جدی جریان دارد و آنان در مسایل تاکتیکی یکسان نمی‌اندیشند. جناح‌هایی که از دست یافتن به این‌همه پول و امکانات ذوق‌زده‌اند، آماده هستند عقب‌نشینی‌های تاکتیکی در زمینه مسایل زنان و اقدام‌های نمادین برای مشارکت ظاهری اقوام دیگر نشان بدهند تا راهی به مشروعیت یافتن رژیم طالبان و تداوم منافع کنونی‌شان در درازمدت هموار شود؛ در حالی که جناح متعهدتر این گروه اولویت را به تقویت صفوف جنگ‌جویان خود می‌دهد و شرطش این است که مواضع ایدئولوژیک‌شان مستحکم بماند و معامله‌گری با کشورهای دیگر، آن‌چنان عریان نباشد که این جنگ‌جویان انگیزه خود را برای قربانی دادن از دست بدهند.

یکی از مولفه‌هایی که در این محاسبات به صورت جدی در نظر گرفته نمی‌شود، موضوع بیعت در منظومه فکری طالبان است. طبق فقه سنتی، هنگامی که با کسی به عنوان «امیر» بیعت صورت می‌گیرد، سمع و طاعت از او واجب و مخالفت با او معصیت است. شکستن بیعت را در قرآن «نکت عهده» و در احادیث منسوب به پیامبر اسلام «غدر» می‌گویند که یکی از سه رکن عمده نفاق و از گناهان کبیره به شمار می‌رود. یکی از عوامل مهم برای استحکام صفوف طالبان، جایگاه کانونی بیعت و اطاعت در آن است. بیعت برای گروه‌های اسلام سیاسی، از اخوان‌المسلمین تا حزب تحریر، القاعده، داعش و طالبان، یکی از راه‌های مهم واداشتن نیروهای‌شان به اطاعت و دنباله‌روی است. پدیده بیعت ریشه در سنت‌های قبیله‌ای کهن دارد که در آن فردیت انسان در برابر اراده قبیله و جمع نادیده گرفته می‌شود. در جهان مدرن انتخابات را جایگزین بیعت کرده‌اند تا فردیت انسان‌ها و استقلال رأی‌شان محفوظ بماند و کسی به اطاعت کورکورانه ناچار نباشد و بیعت‌شان طوق لعنتی بر گردن‌شان نشود که آنان را بدون قناعت و رضایت قلبی به سمع و طاعت وا دارد.

## کمیته جهانی مصونیت خبرنگاران: هدف قرار دادن خبرنگاران اقدامی نفرت‌انگیز و بزدلانه است



۸صبح، کابل: کمیته جهانی مصونیت خبرنگاران در واکنش به حمله بر تجمع خبرنگاران در ولایت بلخ گفته است که هدف قرار دادن خبرنگاران اقدامی نفرت‌انگیز و بزدلانه است. کمیته جهانی مصونیت خبرنگاران روز شنبه، ۲۰ حوت، با نشر اعلامیه‌ای نوشته است که خبرنگاران شجاع افغانستان در شرایط بسیار چالش‌برانگیز گزارش می‌دهند. به گفته این نهاد، طالبان باید به‌سرعت در این مورد تحقیق کنند، عاملان آن را به دست عدالت سپرده و به مصونیت کسانی که خبرنگاران را هدف قرار می‌دهند، پایان دهند. این نهاد علاوه کرده است که افغانستان در فهرست جهانی مصونیت از مجازات کمیته جهانی مصونیت

خبرنگاران در سال ۲۰۲۲، رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است. این فهرست کشورهایی را که بدترین سوابق را در تعقیب قاتلان خبرنگاران دارند، نشان می‌دهد. گفتنی است که مرکز فرهنگی تبیان در شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ، امروز آماج انفجار قرار گرفت. در این مرکز مراسمی برای تقدیر از خبرنگاران برگزار شده بود. بر پایه اطلاعات مرکز خبرنگاران افغانستان، ۱۵ خبرنگار از رسانه‌های مختلف در این رویداد زخم برداشته‌اند. دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد (یوناما) و وزارت امور خارجه ایران نیز این حمله را محکوم کرده‌اند.

## ۱۰ طالب در هلمند به دلیل مسمومیت غذایی جان باختند

ناوه این ولایت، به دلیل مسمومیت غذایی جان باختند. منابع معتبر روز شنبه، ۲۰ حوت، می‌گویند که این ۱۰ جنگ‌جوی طالب شب گذشته در پاسگاه امنیتی‌شان در منطقه سرخودز ولسوالی ناوله، از سوی افراد ناشناس توسط غذا مسموم شده‌اند. منابع در مورد چگونه‌گی وقوع رویداد جزئیات ارایه نکرده‌اند. گفتنی است که مسموم شدن جنگ‌جویان طالب موضوع تازه‌ای نیست.



پیش از این نیز ۲۸ جنگ‌جوی طالب در قریه قیصار ولسوالی پرچمن ولایت فراه مسموم شده بودند.

۸صبح، هلمند: منابع محلی در ولایت هلمند می‌گویند که ۱۰ جنگ‌جوی طالب در ولسوالی

## رویداد ترافیکی در ایران جان ده شهروند افغانستان را گرفت



۸صبح، هرات: به گزارش رسانه‌های ایران، در پی رویداد ترافیکی در این کشور ده شهروند افغانستان کشته و سه تن دیگر زخمی شده‌اند. خبرگزاری تسنیم به نقل از مسوولان امنیتی ایران گزارش داده که این رویداد ترافیکی جمعه‌شب، ۱۹ حوت، در شاهراه فارس رخ داده است. عبداله‌اشم دهقانی، فرمانده پولیس شاهراه فارس، گفته که این حادثه ترافیکی در محور نی‌ریز - محور

قطریه - سیرجان به وقوع پیوسته است. بربنیاد اطلاعات نشر شده، این رویداد در پی برخورد یک موتر نوع پژو با موتر نوع ایسوزو رخ داده است. مسوولان ایرانی علت وقوع این رویداد را سرعت غیرمجاز موتر پژو دانسته‌اند. رویدادهای ترافیکی هرازگاهی از شهروندان افغانستان که به‌گونه قاچاقی به ایران می‌روند، قربانی می‌گیرد.

## سه عضو یک خانواده در پی فروریختن سقف اتاقی در بغلان جان باختند

۸صبح، بغلان: منابع محلی در بغلان می‌گویند که در نتیجه فروریختن سقف اتاق یک خانه در این ولایت سه تن کشته و چهار تن دیگر زخمی شده‌اند. این رویداد جمعه‌شب، ۱۹ حوت، در روستای فرغانیل ولسوالی خوست ولایت بغلان رخ داده است. اطلاعات منابع حاکی از آن است که قربانیان این رویداد طبیعی اعضای یک خانواده هستند. گفته می‌شود که وضعیت صحتی یکی از زخمیان خوب نیست. ریزش باران علت سقوط سقف این خانه گفته شده است. گفتنی است که در پی رویداد مشابه در ولایت کنر در شرق افغانستان نیز اعضای یک خانواده جان باختند.



## انجمن ژورنالیستان افغان - کانادا حمله بر خبرنگاران در بلخ را محکوم کرد

۸صبح، کابل: انجمن ژورنالیستان افغان - کانادا با محکوم کردن حمله بر خبرنگاران در شهر مزارشریف، مرکز ولایت بلخ، گفته است که در این حمله دست‌کم سه خبرنگار کشته و ۱۰ خبرنگار زخمی شده‌اند. انجمن ژورنالیستان افغان - کانادا روز شنبه، ۲۰ حوت، با نشر پیامی در برکه فیس‌بوکش نوشته است: «براساس گزارش‌هایی که رسانه‌های محلی و خبرنگاران در بلخ منتشر کرده‌اند، در انفجار مرکز فرهنگی تبیان حداقل سه تن از خبرنگاران کشته و ۱۰ تن دیگر زخم برداشته‌اند.»

این در حالی است که پس از وقوع انفجار، منابع به روزنامه ۸صبح نیز جان باختن دو تن و زخمی شدن ۳۰ تن دیگر را تایید کرده بودند. گفتنی است که انفجار پیش از چاشت شنبه، ۲۰ حوت، در مرکز فرهنگی تبیان در مربوطات حوزه دوم امنیتی شهر مزارشریف به وقوع پیوست.

فرماندهی امنیه طالبان در بلخ به رویترز گفته است که در اثر این رویداد یک تن کشته و پنج تن دیگر زخمی شده‌اند.

برپایه اطلاعات مرکز خبرنگاران افغانستان، ۱۵ خبرنگار از رسانه‌های مختلف در این رویداد زخمی شده‌اند.





طالبان مدعی تطبیق حاکمیت «تاب اسلامی» اند. این گروه ادعا می‌کند که همه مردم در زیر پرچم آنان از امنیت و مصونیت کامل برخوردارند، در حالی که شهروندان کشور می‌گویند که در ۱۹ ماه گذشته مصونیت، کرامت و امنیت آنان از سوی جنگ‌جویان طالبان به‌صورت گسترده نقض و با مخاطره مواجه شده است. براساس ادعای شهروندان، طالبان بارها مرتکب تجاوز بر حریم خصوصی افراد و تجاوز جنسی شده‌اند، اما نهادی وجود نداشته که از حقوق مردم در برابر این گروه محافظت کند. در تازه‌ترین مورد دو تن از وابسته‌گان والی طالبان برای سرپل بر یک زن و دو دخترش تجاوز جنسی کرده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل خواستار محاکمه عاملان این قضیه شده است. شهروندان می‌گویند که مردم بی‌پناه رها شده‌اند و دسترسی به عدالت، به رویا مبدل گشته است. در این گزارش نگاه کوتاهی به تجاوزهای جنسی و رابطه‌های خارجی از ازدواج فرماندهان و جنگ‌جویان طالبان انداخته شده است.

منابع محلی به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که دو طالب مسلح شب ۹ حوت در روستای خانقاه ولسوالی سوزمقلعه ولایت سرپل بر یک زن و دو دخترش تجاوز جنسی کرده‌اند. براساس ادعای منابع، این دو طالب مسلح به نام‌های نادر و طاهر که خواهرزاده و باجه والی طالبان می‌شوند، بالای یک زن و دو دخترش تجاوز جنسی کرده‌اند. به گفته منابع، دختران این زن ۱۲ ساله و ۱۴ ساله هستند.

در همین حال سیدانور سادات، وزیر کار و امور اجتماعی حکومت پیشین و نماینده سابق سرپل در مجلس نمایندگان، نوار تصویری جریان ضجه‌ها و ناله‌های این خانم را در صفحه فیس‌بوکش منتشر کرده و گفته است که عاملان تجاوز بر این خانواده از نزدیکان والی طالبان در سرپل‌اند. او در فیس‌بوکش به مناسبت ۸ مارچ، روز جهانی همبستگی زنان، نوشته است: «امروز هشتم مارس، روز همبستگی بین‌المللی زنان جهان است. بازار تبریک‌گویی به زنان گرم است. به کدام روزشان تبریک بگوییم؟ دو تن طالب تروریست و خون‌آشام به خانه یک شخص غریبه در روستای خانقاه ولایت سرپل داخل شده و به زنان و دختران تجاوز کرده‌اند.»

این نوار تصویری در رسانه‌های اجتماعی به‌صورت گسترده بازتاب یافته است. در این نوار، زن قربانی ادعا می‌کند که طالبان دست‌ها و پای‌ها او دخترانش را بسته و تا صبح بالای‌شان تجاوز کردند.

یک نوار تصویری که در رسانه‌های اجتماعی نیز دست‌به‌دست می‌شود، یک زن و دو دخترش را در حال گریه نشان می‌دهد. در این نوار که زنان و مردان در حالت گریه به زبان اوزبیک صحبت می‌کنند، از شدت درد و اندوهی که دیده‌اند، در هنگام روایت از فاجعه‌ای که بر آن‌ها روا داشته شده، اشک می‌ریزند. زن قربانی که گریه اماتش نمی‌دهد، تجاوز بر خود و دخترانش را بازگو می‌کند. او می‌گوید: «ساعت ۱۱:۰۰ بجه شب بود که سگم خود را می‌زد. من از خانه بیرون شدم، اما چیزی ندیدم. دوباره به خانه برگشتم، در را قفل کردم و خوابیدم. دوباره دروازه زده شد. به دخترم گفتم برویم ببینیم چه گپ است.»

این زن قربانی در جریان صحبت‌هایش به‌صورت متداوم گریه می‌کند. او در اوج ناله‌های جان‌سوز می‌افزاید: «دروازه را با لگد می‌کوبیدند، می‌زدند و می‌گفتند: دروازه را باز کن زن!» این قربانی خشونت جنسی طالبان، وقتی واقعه آن شب را روایت می‌کند، مردان و زنان هم‌نوا با صدای بلند گریه می‌کنند. او با صدای گریان می‌گوید: «بالای ما حمله کرده و هر کار [تجاوز جنسی] را انجام دادند. اول به دیگران [به دختران] و بعد بالای من حمله [تجاوز] کردند. وقتی برق را روشن کردم، آن‌ها برق را خاموش کردند.» این اتفاق در حالی به وقوع می‌پیوندد که این گروه روز سه‌شنبه، ۲ حوت، در ورزشگاه سرپل ۹ زن را به اتهام رابطه خارج از ازدواج در محضر عام شلاق زد. این نخستین تجاوز و روایت از وضعیت زنده‌گی زنان در زیر سیطره حاکمیت طالبان در کشور نیست. طالبان علاوه بر وضع محدودیت و محرومیت زنان از همه عرصه‌های زنده‌گی جمعی، در ولایت‌های مختلف

## پرونده تجاوز جنسی افراد طالبان؛

# زنان مصونیت ندارند



**طالبان در حدود ۱۹ ماه گذشته، به رغم وضع ممنوعیت‌های گسترده بر زنان، متهم به تجاوزهای جنسی زیادی نیز شده‌اند. شماری از این تجاوزها از سوی قربانیان در رسانه‌ها بازتاب یافته، اما حوادث تلخ و تکان‌دهنده دیگری هم وجود دارد که با در نظر داشت سنت‌های حاکم و هراس از طالبان از نشر باز مانده است.**

۱۰ تا ۱۸ سال سن دارند، تجاوز کرده‌اند. کمیسیون رسیده‌گی به شکایات جنگ‌جویان طالبان و رییس دادگاه شهری این گروه در پنجشیر، تجاوز بر یک زن در پریان پنجشیر را تایید کرده‌اند.

مقام‌های طالبان در نبود قوانین و وجود معافیت از مجازات، مرتکب تجاوزهای جنسی زیادی در ولایت‌های کشور شده‌اند. پیش از این یک عضو طالبان بالای یک دختر جوان در ولایت پروان نیز تجاوز جنسی کرده است. بستگان این دختر قربانی به روزنامه ۸ صبح گفتند که فضل‌الرحمان، عضو طالبان، با افراد تحت امرش شب‌هنگام به خانه این دختر هجوم برده و بالای‌ش تجاوز جنسی کرده است. طالبان محلی در این ولایت از ثبت شکایت در این مورد خبر داده‌اند.

اعضای طالبان در بیشتر ولایت‌ها مرتکب تجاوزهای جنسی شده که شماری از آن‌ها رسانه‌ای نیز شده‌اند. یک فرمانده این گروه به نام گلزار گجر، به بهانه بازرسی خانه‌ها وارد یک خانه شده و بر یک زن تجاوز جنسی کرده است. منابع محلی روز چهارشنبه، ۱۹ اسد، به روزنامه ۸ صبح گفتند که این رویداد در ولسوالی ورسج ولایت تخار در خانه یکی از بزرگان قومی رخ داده است.

همچنان یک نوار تصویری در اوایل سلطه رژیم طالبان در کابل در رسانه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد که یک زن ادعا کرده بود از سوی طالبان در حوزه یازدهم شهر کابل مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. او در این نوار تصویری برخی از اعضای بدنش را نیز نشان داد که علائم کبودی و شکنجه در آن دیده می‌شد. او در این نوار تصویری می‌گوید: «طالبان از من تقاضای نامشروع کردند. جاهایی است که برای شما نشان داده نمی‌توانم. زیادی بی‌عزت ساختند ما را.» او در این نوار تصویری ادعا می‌کند که برادرش نیروی امنیتی پیشین بوده است و طالبان وقتی وارد خانه‌شان شده، از آن‌ها سلاح خواسته‌اند. این زن مدعی است که طالبان از او «توپک» [سلاح] می‌خواسته‌اند. او می‌افزاید: «توپک بیاورید. دست‌اندازی کردند، به عزت من دست دراز کردند. رفتار بد کردند. تقاضا کردند. مدیر جنایی حوزه ۱۱ من تقاضای نامشروع کرد.» این ختم می‌گوید:

«قدرت تاب و توان گپ زدن برایم نماند.» او همچنان آهی پرسوز می‌کشد و می‌افزاید: «تا به کی ما به زیر این ظالم‌ها [طالبان] بنشینیم.» اما چند روز بعد از نشر این ویدیو، طالبان ویدیوی دیگری از او نشر کردند که نشان می‌داد او را مجبور به اعتراف اجباری کرده‌اند.

دختران و زنان را به زور به نکاح خویش درآورده و پیوسته زنان را در ورزشگاه‌ها به اتهام روابط خارج از ازدواج و صحبت‌های تلفنی، شلاق زده‌اند.

### تجاوزهای جنسی طالبان بر زنان

جنگ‌جویان و شماری از فرماندهان طالبان بارها متهم به تجاوز جنسی شده‌اند. حدود دو ماه قبل دو محافظ ولسوال طالبان برای ولسوالی روی‌دوآب ولایت سمنگان بر دو دختر تجاوز جنسی کردند و سپس آن‌ها را کشتند. منابع محلی روز شنبه، ۳ جدی، به روزنامه ۸ صبح گفتند که دو محافظ ملا شمشاد، ولسوال طالبان در روی‌دوآب، در روستای سرخ‌قلعه این ولسوالی بالای دو دختر تجاوز جنسی کرده و سپس آنان را در مقابل چشمان خانواده‌های‌شان سر بریده‌اند. قاری انس، یکی از افرادی است که بر این دختران تجاوز جنسی کرده و پیش از کشتن آنان با قربانی‌ها عکس یادگاری گرفته است. او و یک محافظ دیگر ولسوال طالبان، پس از بازداشت هنگام تجاوز جنسی، از بند رها شده‌اند.

طالبان در حدود ۱۹ ماه گذشته، به رغم وضع ممنوعیت‌های گسترده بر زنان، متهم به تجاوزهای جنسی زیادی نیز شده‌اند. شماری از این تجاوزها از سوی قربانیان در رسانه‌ها بازتاب یافته، اما حوادث تلخ و تکان‌دهنده دیگری هم وجود دارد که با در نظر داشت سنت‌های حاکم و هراس از طالبان از نشر باز مانده است.

یکی از فرماندهان این گروه در ماه سنبله سال جاری بر یک زن عضو خیزش‌های مردمی در ولایت فاریاب تجاوز جنسی کرد. منابع محلی روز جمعه، ۱۱ سنبله، به روزنامه ۸ صبح گفتند که مولوی شریف، آمر حوزه دوم طالبان در شهر میمنه، در دفتر کارش بالای یک زن ۲۹ ساله تجاوز کرده است. براساس ادعای منابع محلی، مولوی شریف نخست این خانم را به بهانه بازجویی در دفتر کارش خواسته و بعداً بالای او تجاوز کرده است.

فرماندهان و جنگ‌جویان طالبان به رغم مجازات مردم به اتهام انجام ندادن احکام اسلامی، بارها متهم به ارتکاب تجاوز جنسی و سایر جرایم اخلاقی شده‌اند. جنگ‌جویان این گروه پیش از این بر یک زن و چهار دخترش در پنجشیر تجاوز جنسی کرده‌اند. منابع معتبر محلی، به روزنامه ۸ صبح گفتند که جمعه‌شب، ۵ قوس، چند تن از جنگ‌جویان طالبان در روستای ده‌خاواک ولسوالی پریان این ولایت بالای یک زن و چهار دخترش که از

### بازداشت مسوولان طالبان در هنگام برقراری رابطه خارج از ازدواج

افزون بر این‌ها، پرونده رابطه از ازدواج مقام‌های طالبان نیز قطور است. رییس صحت عامه طالبان برای ولایت فراه، به‌تازه‌گی در هنگام برقراری رابطه جنسی خارج از ازدواج بازداشت شده است. به گفته منابع محلی، مولوی ضیالحق دشتی، رییس صحت عامه طالبان در ولایت فراه، روز چهارشنبه، ۱۷ حوت، هنگام برقراری رابطه خارج از ازدواج از مقر این ریاست بازداشت شده است. این در حالی است که پیش از او رییس محیط زیست طالبان در ولایت قندهار نیز در هنگام برقراری رابطه خارج از ازدواج بازداشت شده است.

رابطه خارج از ازدواج مقام‌ها و جنگ‌جویان طالبان به‌ندرت رسانه‌ای می‌شود. با توجه به وضع محدودیت‌های گسترده بر فعالیت رسانه‌ها و دشواری دسترسی به اطلاعات، این معلومات به‌گونه فوری و سریع در رسانه‌ها درز نمی‌کند، اما مواردی که بازتاب رسانه‌ای می‌یابد، نیز تکان‌دهنده است و رقم درشتی را نشان می‌دهد. پیش از این منابع محلی به روزنامه ۸ صبح گفتند که استخبارات طالبان عبدالمجیب مشفق، رییس زراعت، آبیاری و مالداري این گروه برای پنجشیر را به اتهام فساد اخلاقی بازداشت کرده است. با این حال، گزارش‌های دیگری نیز وجود دارد که وی به اتهام همکاری با داعش بازداشت شده و از نزدش مقداری مواد منفجره نیز به دست آمده است.

افزون بر این، پرونده رابطه خارج از ازدواج طالبان حجم سنگین دارد. قندهار، پایگاه فرمان‌روایی رهبر این گروه، نیز خالی از فساد و برقراری رابطه خارج از ازدواج مقام‌های این گروه نبوده است. حدود دو ماه قبل، منابع محلی ولایت قندهار از بازداشت نورالله عادل، رییس محیط زیست گروه طالبان در این ولایت، هنگام برقراری رابطه خارج از ازدواج خبر دادند.

پیش از این نهاد‌های حقوق بشری از وضعیت زنان در زیر سیطره حاکمیت طالبان به‌شدت نگرانی کرده و گفته‌اند که طالبان «آپارتاید جنسیتی» را در افغانستان حاکم کرده‌اند. به‌تازه‌گی سازمان عفو بین‌الملل در پیوند به اتهام تجاوز جنگ‌جویان طالبان بر اعضای یک خانواده در ولایت سرپل، خواستار بررسی شده است. این سازمان روز جمعه، ۱۹ حوت، با نشر خبرنامه‌ای گفته است که این قضیه و قضایای مشابه باید فوراً بررسی شوند.

زمان سلطانی، محقق بخش جنوب آسیا در سازمان عفو بین‌الملل، روز جمعه، ۱۹ حوت، گفته است: «جزئیاتی که از تجاوز گروهی طالبان بر یک زن و دخترانش آشکار شده، وحشت‌ناک‌ترین درجه‌ای از نقض حقوق بشر در تاریخ آن است که شاهد هستیم.»

### واکنش شهروندان در پیوند به اتهام تجاوزهای جنسی طالبان

در همین حال شماری از شهروندان کشور در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که طالبان مصونیت و کرامت مردم را در نظر نمی‌گیرند. به گفته آنان مردم در هیچ جایی مصونیت ندارند. احمدالله (مستعار) باشند کابل، در صحبت با ۸ صبح می‌گوید: «جایی که قانون نبود، مردم دسترسی به عدالت و نهاد‌های عدلی نداشتند، آزادی نبود، هر چه جنایت شود، کسی صدایش را بلند کرده نمی‌تواند؛ چون به جای دسترسی به عدالت، بیشتر مجازات می‌شود.»

شرف‌الله محمدی، باشند ولایت سمنگان، رفتار طالبان در قبال زنان را «غیرانسانی» می‌داند و می‌گوید: «این‌ها [طالبان] خود را سربازان اسلام می‌دانند و باز چگونه بر زن و فرزند مردم تجاوز می‌کنند؟! این‌ها دروغ می‌گویند. به هیچ چیز باور ندارند. نظام هم وجود ندارد که از این‌ها بازخواست کند. مردم غریب و فقیر در به‌دزدند.»

طالبان در جریان چند ماه گذشته به‌صورت مکرر متهمان رابطه خارج از ازدواج را در محضر عام شلاق زده‌اند. این گروه گفته‌اند کسانی که در تجاوز جنسی گرفتار شوند، «حدود شرعی» را بالای‌شان تطبیق می‌کنند، اما در مدت ۱۹ ماه گذشته چندین عضو این گروه متهم به تجاوز جنسی شده‌اند که هیچ‌یک محاکمه نشده است.





## فہم

# به روایت خلیل زاد

مهران موحد

قسیم فہم در زمان حیات احمدشاه مسعود یکی از نظامیان برجسته و مردم‌دار در جبهه مقاومت بود، اما این‌که او روزی به رهبری نیروهای ضد طالبان برسد، پیش از ترور احمدشاه مسعود احتمالی دور از ذهن به نظر می‌رسید. با ترور مسعود به دست دو تن از عرب‌هایی که خود را خبرنگار معرفی کرده بودند، ستاره فہم درخشیدن بیشتر گرفت و در حلقه چندنفری تصمیم گرفته شد که وی جانشین مسعود شود. قرار بر این شد که فہم در نبود مسعود، صفوف جبهه را یک‌دست، یک‌پارچه و قوی نگه دارد. این‌که آیا او توانست جانشین خوبی برای مسعود باشد یا خیر، سوالی است که هر کس به فراخور زاویه دید خود به آن پاسخ می‌دهد. یکی از اشخاص مهمی که درباره نقش فہم در افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر جست‌وجوگر بیخه حرف‌هایی زده، زلمی خلیل‌زاد، نماینده خاص رییس جمهور امریکا در افغانستان و سپس سفیر امریکا در این کشور است. خلیل‌زاد در کتاب «فرستاده» در چند مورد از فہم و نقش او یاد کرده است. او فہم را شخصی توصیف کرده که در برابر برنامه‌های غربی‌ها در عرصه دولت‌سازی چالش ایجاد می‌کرد و به همین علت، خلیل‌زاد و سایر همکاران بین‌المللی‌اش تلاش ورزیدند وی را کنار بزنند و نقشش را کم‌رنگ سازند. اینک می‌خواهم با تفصیل بیشتر به مواردی که خلیل‌زاد در کتاب «فرستاده» (ترجمه هارون نجفی‌زاده، انتشارات عازم، چاپ نخست، ۱۳۹۵) درباره فہم داوری کرده بپردازم.

### بدبینی خلیل‌زاد به «ایتلاف شمال»

زلمی خلیل‌زاد که در زمان وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر به‌عنوان یکی از مأموران بلندرتبه در شورای امنیت ملی امریکا کار می‌کرد، در کتاب «فرستاده» این نکته را یادآور می‌شود که او پیش از ۱۱ سپتامبر نیز خواستار شکل‌گیری جبهه‌ای پشتونی علیه طالبان و نسبت به «ایتلاف شمال» بدبین بود: «مطالعات من از تاریخ افغانستان به من می‌گفت که باید یک گروه اپوزیسیون با بنیادهای وسیع برای جای‌گزین کردن طالبان ایجاد کنیم. نمی‌توانستیم تنها به ایتلاف شمال اتکا کنیم. پشتون‌ها، بزرگ‌ترین گروه قومی در افغانستان، از



### خلیل‌زاد از مطرح شدن شایعه

#### یا احتمال کودتای فہم علیه

#### کرزی یا به قتل رساندن کرزی

#### توسط فہم در جولای ۲۰۰۲

#### و در ماه‌های پس از آن حرف

#### می‌زند. به گمان او، کشته

#### شدن داکتر عبدالرحمان و

#### حاجی عبدالقدیر، جورج دبلیو

#### بوش را نگران جان کرزی

#### ساخته بود. بوش تصور

#### می‌کرد که با رفتن کرزی از

#### صحنه همه دستاوردهای

#### امریکا در افغانستان به دست

#### نابودی سپرده می‌شود.

به نظر من، دو دلیل اصلی‌تر و واقعی‌تر دیگر می‌تواند در پشت مطرح شدن این شایعه یا احتمال باشد که خلیل‌زاد از آن یاد نکرده است: یکی این‌که امریکایی‌ها با طرح شایعه قصد فہم برای ترور کرزی می‌خواستند و محافظت امنیتی کرزی را به سربازان خود بسپارند و بدین‌گونه تأثیر فہم در تصمیم‌گیری‌های کرزی را به حداقل برسانند. پیش از آن‌که ۵۰ نظامی زده امریکایی محافظت کرزی را برعهده گیرند، محافظان احمدشاه مسعود که به نام «بچه‌های کماندو» یاد می‌شدند، مسولیت محافظت او را عهده‌دار بودند. آن محافظان با فہم رابطه نزدیک و تنگاتنگ داشتند. دلیل دوم این بود که فہم در آن ماه‌ها از روی ناپخته‌گی و ساده‌لوحی یا به علت عجب و غرور کاذبی که برایش دست داده بود، بارها جملاتی بی‌محتوا و شعاری را بر زبان می‌آورد تا نشان دهد که تصمیم اصلی به دست او است و کرزی هم به میل او عمل می‌کند. او در آن زمان مثلاً می‌گفت: «همین حالا اگر بخواهم با یک زنگ کرزی را از ارگ بیرون می‌کنم.» یا «اگر بخواهم صمد (فرمانده محافظان کرزی) را دستور می‌دهم کرزی را خفه می‌کند.» احتمالاً این حرف‌ها به امریکایی‌ها از طریق دستگاه‌های شنود یا از طریق جاسوس‌های‌شان رسیده بود و آن‌ها را به این گمان انداخته بود که فہم واقعا در پی از میان برداشتن کرزی است. با این حال، واقعیت این بود که فہم هیچ وقت در مخیله‌اش نمی‌گذشت که کرزی را از بین ببرد. او به علت دفاع بی‌رویه‌اش از کرزی انتقادهای فراوانی را از سوی هوادارانش به جان خریده بود.

### فہم بلندپرواز نبود

براساس خاطرات خلیل‌زاد، اگرچه فہم در آغاز با ایجاد رفورم در وزارت دفاع مخالفت می‌کرد، اما با استدلال‌ها و تشویق‌های خلیل‌زاد متقاعد شد که رویه‌اش را تغییر دهد و تنها به سربازان وفادار تاجیکش تکیه نکند و بکوشد ارتشی به‌راستی ملی بسازد. به قول خلیل‌زاد، خود فہم هم شخص قانعی بود و آرزوهای کلان در سر نمی‌پروراند: «فہم سال‌ها بعد داستانی به من روایت کرد که به خواندن ذهنش کمک کرد. مدت‌ها پیش از ۱۱ سپتامبر او و مسعود داشتند در مورد آینده افغانستان حرف می‌زدند. مسعود از فہم پرسیده بود که چه نوع ترتیبات سیاسی می‌تواند ثبات را در افغانستان تأمین کند. فہم از پاسخ دادن طفره رفته بود. وقتی تأکید کرد، فہم سرانجام گفت: «دلیل این‌که ما نمی‌توانیم به جایی برسیم این است که تو می‌خواهی رهبر افغانستان شوی. تاجیک‌ها، اوزبیک‌ها و هزاره‌ها شاید تو را قبول کنند، اما باید رأی پشتون‌ها را هم جلب کنیم و آن به این معنا است که یک پشتون باید رهبر درجه‌اول شود. تنها در آن صورت آن‌ها دست به دست ما می‌دهند و قدرت را تقسیم می‌کنند. اما تو نمی‌خواهی این کار را کنی. تو نمی‌خواهی شماره‌دو باشی.» مسعود اعتراف کرد که او می‌خواهد رهبر ارشد باشد. اما او گفت که هیچ چیزی مانع فہم نمی‌شود که برای منافع ملی کشور شماره‌دوم را قبول کند. فہم وقتی به کرزی تسلیم شد، دقیقاً در عمل همین کار را کرد.» (ص ۱۹۵)

### ذهن بدوی و خام فہم

تصویری که خلیل‌زاد از فہم ارایه می‌کند، تصویر سیاست‌مداری است که ذهنی بدوی دارد و با

پیچیده‌گی‌های مناسبات بین‌الملل آگاه نیست و برای مثال با سفری چندروزه به امریکا و مشاهده رفاه آن کشور نظرش نسبت به امریکا دفعتاً دگرگون و نسبت به آن‌ها خوش‌بین می‌شود: «دیدگاه فہم در جریان سفری به امریکا در اوایل ۲۰۰۳ هم متحول شد. او به وست‌پوینت و با شهروندان عادی امریکا سخن گفت. به‌ویژه با دیدن رفاه آن‌ها شگفت‌زده شد. او شاید تحت تأثیر فلم‌های اکشن انتظار داشت که امریکا جای تاریک و خطرناک باشد. در عوض، امریکا را تمیز و زیبا یافت. وقتی بازگشت، با دست‌یاران ارشدش ملاقات کرد و گفت: به امریکا رفتیم. در ایالات متحده هر کسی در ویلایی بزرگ زنده‌گی می‌کند. ما هیچ چیزی نداریم که امریکایی‌ها بخواهند. من متقاعد شده‌ام که امریکایی‌ها این‌جا هستند تا با ما کمک کنند.» (ص ۱۹۵)

### ربانی در هم‌دستی با عبدالله، فہم را منزوی کرد

زمانی که افغانستان در آستانه اولین انتخابات ریاست جمهوری در تاریخش قرار گرفت، کرزی کاندیدای بی‌رقیب بود. فہم گمان می‌کرد که کرزی وی را به‌حیث معاونش برخواهد گزید، اما فشارهای خارجی، از جمله فشار خلیل‌زاد، مانع این کار شد. به روایت خلیل‌زاد، فرستاده ویژه سازمان ملل متحد برای افغانستان، ژان ارنو و نیز سفیر جاپان در افغانستان، کرزی را تشویق به کنار زدن فہم کردند. آن‌ها فہم را مانعی فراراه تحقق اهداف خود در مورد خلع سلاح و ایجاد اصلاحات مورد نظر غرب می‌دانستند. خلیل‌زاد و افرادی دیگر پیشنهاد دادند که ضیا، برادر احمدشاه مسعود، معاون کرزی در انتخابات ریاست جمهوری شود. ضیا به دلیل تعلقش به خانواده مسعود می‌توانست بدیل خوبی برای فہم باشد. کرزی از ضیا خواست که به کابل برگردد. سرانجام کرزی تصمیمش را در جلسه‌ای با رهبران ایتلاف شمال که در آن، فہم، قانونی، عبدالله و ضیا حضور داشتند، اعلام کرد. با شنیدن تصمیم کرزی، فہم با گروهش مجلس را ترک کرد.

به روایت خلیل‌زاد، فہم و همکارانش ضیا را مجبور کردند که از تصمیمش منصرف شود و در تیم انتخاباتی کرزی نباشد. او هم از تصمیمش به کرزی گفت. تیم کرزی - خلیل‌زاد دچار سردرگمی شد. نزدیک بود زمان از دست برود. کرزی دست‌پاچه شده بود و از دست «خارجی‌ها» شکایت داشت که با مشوره‌های‌شان وی را در مضیقه قرار داده‌اند.

جالب این‌جا است که به روایت خلیل‌زاد، عبدالله عبدالله که در ظاهر از تیم فہم بود، راه‌حلی پیشنهاد داد و کرزی را از بن‌بست رهایی بخشید. عبدالله به خلیل‌زاد گفت که با تماس گرفتن با ربانی، خسر ضیا مسعود، می‌توانید راهی پیدا کنید و ضیا را به پیوستن به تیم کرزی ترغیب کنید.

خلیل‌زاد به دیدن ربانی رفت و او وعده داد که «مشکل را حل می‌کند». پس از این‌که برهان‌الدین ربانی با ضیا مسعود حرف زد، ضیا به‌سرعت حاضر شد تا به‌عنوان معاون کرزی در انتخابات ثبت نام کند. (ص ۲۲۸-۲۲۹)

برهان‌الدین ربانی که پس از کنفرانس بُن از سوی فہم به انزوا کشانده شده بود، اینک با کوشش برای تعیین دامادش به‌عنوان معاون کرزی توانست انتقام بگیرد و فہم را تضعیف کند. ربانی خلاف آن‌چه دوست‌دارانش تبلیغ می‌کنند، از مدافعان روند پس از بُن بود و به‌اندازه ظرفیتش قادر شد سهمی از قدرت و ثروت به دست آورد. احمدضیا مسعود در کابینه کرزی، مهره ربانی بود، هرچند در دوران معاونتش آن‌چنان ضعف و بی‌کفایتی از خود نشان داد که احتمالاً ربانی را هم از حمایتش از او برضد فہم پشیمان کرده بود. خلیل‌زاد و دیگرانی که می‌خواستند احمدضیا معاون کرزی باشد، از بی‌کفایتی و کندذهنی‌اش آگاه بودند و به همین جهت به سراغ او رفته بودند.

### رهبر تصادفی

خلیل‌زاد در مقایسه فہم با مسعود چنین می‌نویسد: «مسعود با چهره کاریزماتیک و تلویزیونی، رهبر اثرگذار مقاومت بود. فہم با او متفاوت بود. فہم مردی تنومند، با ریشی سفت، کم‌پشت و پیراسته و دارای رفتاری عبوس و درون‌گرا بود. اگرچه او زیرک بود، اما در شکل دادن ایتلاف‌های سیاسی مهارت و حرارت طبیعی مسعود را نداشت. مرگ مسعود و روند بُن تنها دلیلی بود که از او یک چهره ملی ساخت.» (ص ۲۲۸)



# طالبان در اطلاع‌رسانی سریع و تأمین امنیت تجمعات کوتاهی می‌کنند



فهم‌امین

انفجار ناشی از مواد جاسازی‌شده در مرکز فرهنگی «تبیان» در شهر مزارشریف، واکنش خبرنگاران، باشندگان بلخ و نهادهای حامی خبرنگاران را برانگیخته است. این انفجار که دو کشته و ده‌ها زخمی برجای گذاشته است، یک نشست خبری را هدف قرار داد. بیشتر آسیب‌دیده‌گان این حادثه خونین را خبرنگاران شکل می‌دهند. هرچند طالبان تنها جان باختن نگهبان این مرکز و زخمی شدن هشت اشتراک‌کننده به شمول سه کودک را تأیید کرده‌اند، اما منابع محلی و گواهان رویداد می‌گویند که دو نفر در نتیجه این انفجار کشته و بیش از ۳۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. مسوولان مرکز تبیان خواستار شناسایی و مجازات عاملان این رویداد و حلقات فکری، فرهنگی و رسانه‌ای توجه بیشتری داشته باشند. از آنجایی که بیشتر آسیب‌دیده‌گان این رویداد را خبرنگاران شکل داده‌اند، نهادهای حامی خبرنگاران گروه طالبان را به کوتاهی در اطلاع‌رسانی متهم کرده و خواستار تأمین امنیت نشست‌های خبری و گردهمایی‌های مردمی شده‌اند. مسوولان محلی طالبان شماری از کارمندان این مرکز فرهنگی را برای بازجویی با خود برده‌اند و استدلال می‌کنند که این گردهمایی بدون اطلاع قبلی به نیروهای امنیتی، برگزار شده است. براساس اظهارات گواهان عینی، این انفجار روز شنبه، ۲۰ حوت، در مرکز فرهنگی «تبیان» در حوزه دوم امنیتی شهر مزارشریف رخ داده است. مسوولان محلی طالبان این انفجار را ناشی از مواد جاسازی‌شده در داخل تالار این مرکز اعلام کرده‌اند. به گفته آنان، تنها نگهبان این مرکز فرهنگی در این حادثه خونین جان باخته و هشت تن دیگر به شمول سه کودک و پنج خبرنگار، زخمی شده‌اند.

مسوولان مرکز فرهنگی تبیان توضیح داده‌اند که این انفجار حوالی ساعت ۱۱:۰۰ پیش از چاشت در جریان برنامه‌ای به مناسبت فرارسیدن «روز خبرنگاران» به وقوع پیوسته است. طبق بیانیه مرکز فرهنگی تبیان، در نتیجه این رویداد دو تن جان باخته و بیش از ۳۰ تن دیگر زخم برداشته‌اند. تالار این مرکز در منزل تحتانی موقعیت دارد. در این نشست خبری در کنار مسوولان محلی طالبان و مهمانان برنامه، حدود بیش از ۲۵ خبرنگار و شماری از کودکان نیز حضور داشته‌اند. از همین رو، بیشتر آسیب‌دیده‌گان این رویداد را خبرنگاران شکل می‌دهند.

عبدالنافع تکور، سخنگوی وزارت داخله طالبان، ساعت‌ها

پس از وقوع حادثه، این انفجار را تأیید کرد. همچنان آصف وزیر، سخنگوی فرماندهی امنیه طالبان در بلخ، به رسانه‌ها گفت که این نشست بدون هماهنگی با نیروهای طالبان برگزار شده است. آصف وزیر همچنان تأیید کرد که دست‌اندرکاران مرکز تبیان را برای بازجویی بازداشت کرده‌اند.

در همین حال، گواهان رویداد توضیح می‌دهند که این انفجار مرگبار پس از سخنرانی رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان برای بلخ، در هنگام خواندن ترانه توسط کودکان رخ داده است. به گفته آنان، شماری از دانش‌آموزان برای خواندن ترانه در این نشست اشتراک کرده بودند که سه تن از آنان در نتیجه انفجار مواد جاسازی‌شده زخمی شده‌اند. مسوولان محلی طالبان در بلخ وضعیت زخمیان را خوب توصیف کرده و گفته‌اند که این افراد به‌گونه سطحی زخمی شده‌اند. منابع محلی اما با رد ادعای طالبان خاطر نشان می‌سازند که وضعیت شماری از زخمیان به شمول پسر خبرنگار تلویزیون ملی، وخیم است. این پسر جوان به جای پدرش در این نشست اشتراک کرده بود و اکنون در شفاخانه زیر درمان قرار دارد.

هرچند طالبان تنها جان باختن یک نگهبان این مرکز فرهنگی را تأیید می‌کنند، اما منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که اکمل نظری، باشند بلخ، یکی دیگر از جان‌باخته‌گان حادثه خونین در مرکز فرهنگی تبیان



**مرکز فرهنگی تبیان در کابل، بلخ و شماری از ولایت‌ها دفتر دارد. حدود شش سال پیش در ماه جدی ۱۳۹۶ خورشیدی دفتر این نهاد فرهنگی در کابل مورد حمله انتحاری قرار گرفت. مسوولان این مرکز خاطر نشان ساخته‌اند که در نتیجه این حمله انتحاری دست‌کم ۵۲ تن جان باختند و بیش از ۱۴۰ تن دیگر زخمی شدند. آسیب‌دیده‌گان حمله انتحاری شش سال پیش را روحانیون، دانش‌آموزان دینی، استادان دانشگاه و خبرنگاران شکل می‌دادند.**

**عبدالنافع تکور، سخنگوی وزارت داخله طالبان، ساعت‌ها پس از وقوع حادثه، این انفجار را تأیید کرد. همچنان آصف وزیر، سخنگوی فرماندهی امنیه طالبان در بلخ، به رسانه‌ها گفت که این نشست بدون هماهنگی با نیروهای طالبان برگزار شده است. آصف وزیر همچنان تأیید کرد که دست‌اندرکاران مرکز تبیان را برای بازجویی بازداشت کرده‌اند.**

است. منبع به نقل از نزدیکان اکمل نظری می‌افزاید که او دانشجوی سال اول رشته ژورنالیسم بوده و برای کارهای عملی رسانه‌ای در این نشست حضور یافته بود. طبق اظهارات منابع، این پسر جوان باشند اصلی ولسوالی شولگره ولایت بلخ بوده است. قربانی دومی این رویداد نگهبان این مرکز فرهنگی بوده که درباره او جزئیات بیشتری ارائه نشده است.

تاکنون فرد یا گروهی مسوولیت این انفجار را برعهده نگرفته است. در گذشته اما گروه داعش مسوولیت چنین حملات خونین را پذیرفته است.

با این حال، دفتر فرهنگی تبیان با نشر بیانیه‌ای این انفجار خونین را نکوهش کرده و از طالبان خواسته است که عاملان این رویداد را شناسایی و مجازات کنند. در این بیانیه آمده است: «مراسم امروز با حضور جمع کثیری از فرهنگیان، دانشگاهیان و خبرنگاران در سالون اجتماعات دفتر نماینده‌گی این دو تشکیلات در شهر مزارشریف برگزار شده و حول موضوع مهدویت و رسانه تحلیل تخصصی توسط کارشناسان در جریان بوده و قرار بود از تعدادی خبرنگاران فعال و خدوم رسانه‌های مختلف تجلیل و تکریم به عمل بیاید که به ناگاه با انفجار تروریستی مواجه می‌شود.»

در این اعلامیه به نقل از سیدعیسا حسینی مزاری، رییس مرکز فرهنگی تبیان، احتمال داده شده که این حمله انفجاری کار وابسته‌گان «امریکا و هم‌پایه‌گی‌هایش» بوده باشد. در این بیانه تأکید شده است: «از دستگاه امنیتی امارت اسلامی می‌خواهم به‌طور جدی سرخ ماجرا را پیدا کرده، عوامل پیدا و پنهان این جنایت تروریستی را شناسایی نموده، به پنجه عدالت بسپارند و نیز در تأمین امنیت دفتر مرکز تبیان و خبرگزاری صدای افغان (آوا) و دیگر مراکز و حلقات فکری، فرهنگی و رسانه‌ای اهتمام لازم را در نظر بگیرند.»

مرکز فرهنگی تبیان در کابل، بلخ و شماری از ولایت‌ها دفتر دارد. حدود شش سال پیش در ماه جدی ۱۳۹۶ خورشیدی دفتر این نهاد فرهنگی در کابل مورد حمله انتحاری قرار گرفت. مسوولان این مرکز خاطر نشان ساخته‌اند که در نتیجه این حمله انتحاری دست‌کم ۵۲ تن جان باختند و بیش از ۱۴۰ تن دیگر زخمی شدند. آسیب‌دیده‌گان حمله انتحاری شش سال پیش را روحانیون، دانش‌آموزان دینی، استادان دانشگاه و خبرنگاران شکل می‌دادند.

**واکنش نهادهای حامی خبرنگاران**

دفتر «تی» نهاد حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان با نشر خبرنامه‌ای مسوولان امنیتی طالبان در بلخ را

به کوتاهی در مصونیت جانی خبرنگاران متهم کرده است. در خبرنامه دفتر تی آمده است: «حمله بر جان خبرنگاران نشان می‌دهد که خبرنگاران در افغانستان مصونیت جانی ندارند و نهادهای ذی‌ربط هم توجه لازم در زمینه می‌بذول نمی‌دارند.» دفتر تی همچنان از تأخیر مسوولان محلی طالبان در عرصه اطلاع‌رسانی به شهروندان انتقاد کرده و گفته که تعلل در اطلاع‌رسانی سبب گمانی‌زنی‌ها و افزایش نگرانی شهروندان در مورد شمار تلفات می‌شود.

همچنان سازمان حمایت از خبرنگاران افغانستان حمله بر گردهمایی خبرنگاران در ولایت بلخ را نکوهش کرده و گفته است که هدف از این حمله دفن آزادی بیان می‌باشد. این سازمان از همه نهادها و سازمان‌های حامی خبرنگاران در داخل و خارج کشور خواسته است که برای تأمین امنیت جانی خبرنگاران در داخل افغانستان، بالای طالبان فشار وارد کنند تا بیش از این جامعه رسانه‌ای را داغ‌دار نسازند. در اعلامیه سازمان حمایت از خبرنگاران آمده است: «حمله بر جان خبرنگاران با هیچ دین و آیینی سازگاری ندارد. حمله امروز دشمنان انسانیت که بیش از پیش چهره کره افراطیت را برجسته می‌سازد، از منظر انسانی شدیداً محکوم است. دشمنان مردم افغانستان با چنین حملات الم‌ناک سال‌ها است دست به گریبان‌اند و از جامعه جهانی می‌خواهند تا در برابر این همه ستم بر مردم افغانستان خاموش ننشینند.»

مرکز خبرنگاران افغانستان فهرست پانزده‌نفری خبرنگاران را نشر کرده که در این حادثه خونین زخم برداشته‌اند. براساس این فهرست، مرتضا صمیمی، نجیب فریاد، فردین نوروزی، عزیز ابرام، خیبر ابراهیمی، وحید جلالی، سیرت نوری، جواد درویش، روح‌الله روحانی، حسیب‌الله عازم، منیر بهیر، سجاد موسوی، ناصر ظاهری، رسول سالک و عاطف آربین از خبرنگارانی‌اند که در پی انفجار خونین بلخ، زخم برداشته‌اند. شماری از رسانه‌های داخلی کشور نیز زخمی شدن خبرنگاران شان را تأیید کرده‌اند.

شماری از خبرنگاران با حفظ هویت‌شان به روزنامه ۸ صبح از عدم تأمین امنیت جان‌شان از سوی طالبان انتقاد کرده و خواهان تدابیر امنیتی برای تجمع‌های مردمی و نشست‌های خبری شده‌اند. به گفته آنان، وضعیت هیچ‌یک از خبرنگارانی که در این رویداد زخمی شده‌اند، وخیم نیست.

در کنار این، فدراسیون نهادهای ژورنالیستان و رسانه‌های افغانستان نیز با نشر اعلامیه جداگانه نوشته است: «حمله بر خبرنگاران براساس قوانین نافذ در تمام جهان، جنایت جنگی و عملی مخالف انسانیت و حقوق بشر است.» در این اعلامیه همچنان آمده است: «نیروهای امنیتی باید مسوولیت خویش را در قبال حفظ سر و مال مردم به‌ویژه خبرنگاران و دفاتر رسانه‌ای، درک نموده و جلو همچو رویدادها را بگیرند. همچنان نیروهای کشفی و استخباراتی باید عاملان این جنایت هولناک را شناسایی و به سزای اعمال شوم‌شان برسانند.» این فدراسیون نیز خواستار اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع مسوولان محلی طالبان از رویدادها به شهروندان شده است.

افزون بر نهادهای صنفی خبرنگاران در افغانستان، انجمن ژورنالیستان افغان در کانادا نیز حمله بر نشست خبری در مرکز فرهنگی تبیان را محکوم کرده است. در اعلامیه این انجمن آمده است: «با آن‌که مسوولیت این رویداد را تاکنون کسی و یا گروهی برعهده نگرفته است، اما این مساله واضح است که طالبان و سایر گروه‌های تروریستی در جریان دو دهه اخیر حملات مرگباری بر خبرنگاران و رسانه‌ها در افغانستان داشته‌اند.»

از سوی دیگر، دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) حمله بر نشست خبری در مرکز فرهنگی تبیان را «واقعه غیرقابل قبول» خوانده و تأکید کرده که این‌دست خشونت‌ها باید متوقف شود. یوناما در صفحه فیس‌بوکش نوشته است: «خبرنگاران افغان شجاعت عظیمی از خود نشان می‌دهند و باید از آن‌ها محافظت شود.»

این‌همه در حالی است که بلخ در چهار روز گذشته گواه دو انفجار خونین جداگانه بوده است. از این پیش محمدداوود مزمل، والی طالبان برای بلخ، بامداد روز پنج‌شنبه، ۱۸ حوت، در یک حمله انتحاری در نزدیکی دفتر کارش هدف قرار گرفت و جان باخت. براساس اظهارات منابع، در آن حمله هفت تن به شمول جنگ‌جویان طالبان، زخمی شده‌اند. مسوولیت آن حمله را گروه داعش برعهده گرفته است.



## بیست‌ودومین سالگرد تخریب پیکره‌های بودا؛

# طالبان برای تخریب بیشتر آستین‌بالازده‌اند

۸صبح، بامیان



درست ۲۲ سال پیش از امروز طالبان به فرمان ملا محمدعمر، رهبر پیشین این گروه، دو مجسمه غول‌پیکر بودا را در بامیان پس از روزها تلاش تخریب کردند. اکنون از این دو میراث فرهنگی تنها حفره‌هایی به‌جا مانده که در کنار دیگر آثار تاریخی به حال خود رها شده است. حکومت‌های قبلی در دو دهه گذشته بنا بر دلایلی هرگز به بازسازی این آثار تاریخی اقدام نکردند و گروه طالبان که با تخریب پیکرهای صلصال و شهمامه لقب «قاتلان فرهنگی قرن» را دریافت کرده‌اند، اکنون خود را به حفاظت از آثار تاریخی کشور پای‌بند نمی‌دانند. شماری از فرهنگیان در بامیان همزمان با بیست‌ودومین سالگرد تخریب پیکره‌های بودا از اهمال در مورد آثار تاریخی ابراز نگرانی دارند و می‌گویند که مسوولان محلی طالبان در پی تخریب ساحات سبز و سرخ حفاظت‌شده‌اند. با این حال، باستان‌شناسان به این باورند که تخریب میراث‌های فرهنگی غیراسلامی در کشور از جمله مجسمه‌های بودا یک روند تاریخی است که انگیزه ایدیولوژیک و برتری‌جویانه دارد.

در این گزارش با یکی از باشندگان بامیان صحبت شده که در تخریب پیکره‌های بودا دست داشته است. او توضیح می‌دهد که برای مدت ۱۵ روز در مقاطع مختلف از سوی طالبان وادار شده تا مواد انفجاری را در قسمت‌هایی از تندیس بودا جابه‌جا کند. به گفته این مرد، او و همکارانش تا روز تخریب این آثار تاریخی نمی‌دانستند که طالبان چرا آنان را وادار می‌سازند تا

این مواد را در قسمت‌هایی از پیکره صلصال جابه‌جا کنند.

این باشنده بامیان که به دلیل هراس از طالبان نمی‌خواهد نامش در این گزارش درج شود، حدود ۶۰ سال عمر دارد و در این گزارش با نام مستعار «محمد» یاد می‌شود. محمد حدود ۲۲ سال پیش از امروز روند تخریب پیکره‌های بودا را تماشا کرده است. او در جابه‌جایی مواد انفجاری در پیکره‌های باستانی صلصال و شهمامه نیز نقش داشته است. این پیرمرد در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که پس از صدور فرمان ملا محمدعمر مبنی بر تخریب پیکره‌های بودا، مسوولان محلی طالبان در بامیان در آن زمان نخست روند تخریب مجسمه غول‌پیکر صلصال را به جنگ‌جویان خود واگذار کردند. به گفته او، در میان آن جنگ‌جویان شماری از شهروندان پاکستانی و عرب نیز شامل بودند. آن جنگ‌جویان حدود یک ماه با استفاده از سلاح‌های سنگین مانند هاوان، راکت، تانک و غیره تلاش کردند، اما موفق به تخریب مجسمه‌ها نشدند.

محمد می‌افزاید: «طالبان بیش از ۵۰ غیرنظامی و بیشتر اسیر جنگی و زندانی را هر صبح با زور و تهدید به مرگ بیرون می‌کشیدند و برای تخریب بودا می‌بردند. زمانی که پیش بودا می‌رسیدیم، ما را مجبور می‌کردند به کمر خود ریسمان بسته کنیم و از راهرو بالای سر تندیس‌ها روی شانه و تن بودا پایین شویم و طبق توصیه کارشناسان طالبان آن‌جا را کندن کاری کنیم و سپس در حفره‌ها مواد منفجره خمیرشده را جاسازی کنیم. این کار ما حدود ۱۵روز طول کشید.» محمد با اظهار تأسف علاوه می‌کند که روز پانزدهم او و همراهانش از کار خسته شده بودند و زمانی که از پشت تندیس صلصال در حال پایین شدن بودند، صدای مهیبی به گوش‌شان رسید. این پیرمرد می‌گوید که از شدت موج آن به زمین افتاده و هنگامی که در مقابل بودا برای دانستن علت این صدا رسیده، متوجه شده که تندیس صلصال منفجر شده است. به سخن این پیرمرد، در هنگام انفجار تندیس ۵۳ متره صلصال، شماری از جنگ‌جویان عرب و پاکستانی که در کنار طالبان می‌جنگیدند، نیز در محل حضور داشتند و با شعار «الله اکبر» به هم‌دیگر تبریک می‌گفتند و خرسندی می‌کردند.

محمد اضافه می‌کند که تخریب مجسمه‌های ۳۵ متره شهمامه و بت‌بچه ۷ متره واقع در دره ککرک در شرق وادی بامیان نزدیک به یک هفته را در بر گرفت، اما

تخریب تندیس ۵۳ متره صلصال به دلیل استحکام آن حدود دو هفته طول کشید. به گفته او، جنگ‌جویان طالبان پیش از بیگار گرفتن غیرنظامیان نیز حدود یک ماه تلاش کرده بودند.

### استراتژی تخریب آثار تاریخی غیراسلامی در کشور

با آن‌که درباره تخریب مجسمه‌های غول‌پیکر صلصال و شهمامه در بامیان از سوی طالبان حرف‌های زیادی گفته شده و در نظام پیشین مسوولان حکومتی این رویداد را «بزرگ‌ترین جنایت و قتل‌عام فرهنگی قرن» نیز عنوان کردند، اما برخی از پژوهشگران حوزه باستان‌شناسی به این باورند که تضاد و مخالفت با آثار تاریخی غیراسلامی و تخریب این آثار یک پروسه دوام‌دار است که انگیزه ایدیولوژیک و برتری‌جویانه دارد.

داکتر لایق احمدی، استاد دانشگاه و پژوهشگر باستان‌شناسی، در این باره به روزنامه ۸صبح می‌گوید که نمونه‌های زیادی از زمان حاکمان پیشین کشور از جمله اورنگ‌زیب، امیر عبدالرحمان خان و امیر حبیب‌الله خان وجود دارد که این حاکمان بسیج شدند تا افغانستان را از وجود آثار تاریخی، هنری و فرهنگی غیراسلامی پاک‌سازی کنند. به گفته داکتر احمدی، این یک استراتژی شییه‌سازی فرهنگی بود؛ زیرا این حاکمان با نابودی آثار فرهنگی غیراسلامی تلاش داشتند یک سرزمین کاملاً اسلامی از خود به میراث بگذارند.

داکتر احمدی به‌طور نمونه از حمله امیر عبدالرحمان خان به کافرستان در سال ۱۸۸۸ میلادی یاد می‌کند و می‌گوید که عبدالرحمان در آن حمله همه آثار تاریخی، فرهنگی و هنری کافرستان را آتش زد و نابود کرد و حتا نامش را نیز به «نورستان» تغییر داد. به سخن او، این یک پروسه دوام‌دار بود تا این‌که در سال ۲۰۰۱ میلادی طالبان با همان رویکرد مجسمه‌های غول‌پیکر بودا را در وادی بامیان نابود کردند. برنیاد اظهارات داکتر احمدی، طالبان با توپ، تانک، راکت، هاوان و دیگر سلاح‌های سنگین نتوانستند پیکره‌های بودا را تخریب کنند تا این‌که غیرنظامیان محلی را به بیگاری گرفتند تا مواد انفجاری را در پیکره‌های صلصال و شهمامه جابه‌جا کنند.

این پژوهشگر باستان‌شناسی خاطرنشان می‌سازد که اکنون پس از ۲۲ سال طالبان دوباره حاکمیت کشور را

در اختیار گرفته‌اند و در ادامه روند تخریب آثار تاریخی غیراسلامی این بار به‌صورت اساسی‌تر در حال تغییر نصاب آموزشی مطابق به ایدیولوژی خود هستند.

### وضعیت کنونی آثار تاریخی در بامیان

شماری از فرهنگیان در بامیان همزمان با فرارسیدن بیست‌ودومین سالگرد تخریب مجسمه‌های بودا توسط طالبان، از وضعیت کنونی آثار تاریخی در این ولایت ابراز نگرانی می‌کنند. به گفته این فرهنگیان، عواملی مانند رویدادهای طبیعی و انسانی به‌طور جدی آثار تاریخی بامیان را در معرض نابودی قرار داده است.

فرهاد (نام مستعار) کارشناس بخش گردشگری و باشنده بامیان، به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «با روی‌کارآمدن دوباره طالبان آثار تاریخی بامیان به حال خود رها شده‌اند. در ساحات سرخ به بهانه‌های مختلف ساخت‌وساز غیرقانونی جریان دارد. هیچ نهادی نیست که از این ساخت‌وسازها پیش‌گیری کند یا درباره حفاظت از آثار تاریخی برای مردم محل آگاهی‌دهی کند.»

همچنان یک تن از فرهنگیان بامیان که نمی‌خواهد نامش در این گزارش درج شود، می‌گوید که طالبان هیچ برنامه‌ای برای حفاظت از میراث‌های تاریخی این ولایت ندارند. به گفته او، این گروه نه‌تنها از این آثار حفاظت نمی‌کند، بلکه شماری از مسوولان محلی طالبان در بامیان در بسیاری از کاوش‌ها و ساخت‌وسازهای غیرقانونی در ساحات سرخ و سبز حفاظت‌شده این ولایت دست دارند. این فعال فرهنگی به‌طور نمونه از کاوشگری‌های فراقانونی ملا عبدالله سرحدی، والی طالبان در بامیان، در ساحه عقب پیکره صلصال و از تلاش مولوی سیفالرحمان محمد، رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان، برای بازسازی بازار کهنه این ولایت که در ۱۰۰ متری پیکره تخریب‌شده صلصال واقع شده است، یاد می‌کند.

این‌همه در حالی است که بیش از دو دهه از تخریب تندیس‌های ۳۵، ۵۳ و ۷ متره صلصال، شهمامه و بُت‌بچه بامیان از سوی طالبان می‌گذرد. طالبان در دور نخست حاکمیت بر کشور در ۱۱ مارچ ۲۰۰۱ میلادی این سه پیکره که نمادهایی از تمدن و فرهنگ دیرینه افغانستان بودند را تخریب کردند. افزون بر جاهای خالی این پیکره‌ها، پنج ساحه تاریخی دیگر از جمله شهرهای تاریخی غلغله و ضحاک، قلعه غمی، مغاره‌های قول‌اکرم و مغاره‌های گوهرگین در فهرست میراث‌های فرهنگی در معرض خطر نزد سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) ثبت شده‌اند. اما برای حفاظت از این میراث‌ها تاکنون هیچ‌گونه کار موثری صورت نگرفته است. حوادث طبیعی، کاوش‌های مغرضانه و ساخت‌وسازهای خودسر هر لحظه خطر نابودی جلوه‌های شگفت‌انگیز تاریخی بامیان را سرعت می‌بخشد.

# فرجام تلخ هردو احمدزی

شجاع‌الدین امینی

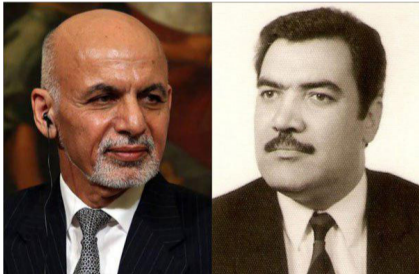
بخش اول

### سخن اول:

مراد از هر دو احمدزی، داکتر نجیب‌الله احمدزی [نام مکمل] منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق و رییس جمهور پیشین «جمهوری افغانستان» و دکتر محمدشرف غنی احمدزی [نام مکمل] رییس جمهور پیشین «جمهوری اسلامی افغانستان» است. اولی بین سال‌های ۱۳۶۵ تا اوایل ۱۳۷۱ رییس جمهور افغانستان بود و دومی از اواسط سال‌های ۱۳۹۳ تا اواسط ۱۴۰۰. اولی، جمهوری سوسیالیستی را اداره می‌کرد و دومی جمهوری اسلامی را.

### سخن دوم:

چندی پیش کتاب «اردو و سیاست» نوشته سترجنرال محمدنبی عظیمی را خواندم. نویسنده، موبه‌مو حادثات و واقعات دوره نجیب‌الله را با قلم سلیس و روان به رشته تحریر درآورده است. چیزی که این کتاب را خواندنی‌تر می‌سازد و بر صحت و وثاقت روایت‌های آن مهر تأیید



او می‌نویسد: «شهامت، جرئت، افسون کلام، هوشیاری، زیرکی و آبدیدگی سیاسی او (نجیب‌الله) را حتا دشمنان و رقبای سیاسی‌اش چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی می‌ستودند.» (عظیمی، ۱۳۷۸: ۳۲۷) در جای دیگر از عیب او می‌نویسد: «به‌سختی بالای رفقایش اعتماد می‌کرد. همیشه انگیزه خاصی برای بی‌اعتمادی داشت. جاه‌طلبی و قدرت‌طلبی یکی از این انگیزه‌ها بود.» (همان: ۳۲۶)

اگر فرض را بر این بگذاریم که نجیب‌الله پشتون‌گرا نبود، قطعاً در تله پشتون‌گرایی یا پشتون‌گراهای افراطی افتاده بود. به باور نویسنده، اعتماد زیاده از حد به پشتون‌گراهای افراطی، پاشنه آشیل برای نجیب‌الله شد و سقوط او را سریع‌تر کلید زد. نویسنده نمونه‌های روشنی ارائه می‌کند از نزدیکی نجیب‌الله به پشتون‌گراهای افراطی و دوری‌جستن از کسانی که وفادار به دولت او بودند و در دوره «دفاع مستقلانه‌آ» نقش بارزی ایفا کردند. یکی از کسانی که به نجیب‌الله نزدیک و مورد اعتماد او بود، «منوکی منگل» بود. نویسنده، او را یک پشتون‌گرای افراطی معرفی می‌کند که بیش از هر کسی دیگر محبوب نجیب‌الله بود. او می‌نویسد: «به عقیده وی (منوکی منگل) فقط پشتون‌ها حق داشتند که در این کشور فرمان‌روایی کنند. وی با گستاخی و وقاحت خاصی این عقیده‌اش را صریح و روشن بیان می‌کرد.» (همان: ۴۹۳)

ادامه در صفحه ۷



# فرجام تلخ هردو احمدزی

به باور نویسنده، منوکی منگل حضور فعالانه جنرال دوستم در شمال کشور را بر نمی‌تافت و دغدغه‌ای نداشت جز به انزوا راندن او. از این رو، به شهر مزار رفت و مدتی در آنجا ماند. بسیج قوماندان‌های پشتون در شمال علیه جنرال دوستم و راندن او از صحنه، هدف سفر او را تشکیل می‌داد. این در حالی است که پیش از این، ولایت خوست به دست گروه مجاهدین سقوط کرده بود و جلال‌آباد و گردیز نیز در معرض تعرض قرار داشتند و مهم‌تر از آن ولسوالی دولت‌آباد ولایت بلخ هم سقوط کرده بود که قوماندان‌های پشتون در شمال قادر به بازپس‌گیری آن نبودند، از جمله جمعه اسک. ولی جنرال دوستم با قطعات تحت امر خود توانست ولسوالی دولت‌آباد را دوباره در اختیار دولت قرار دهد؛ کاری که دیگران از انجام آن عاجز بودند. با آن هم حساسیت پشتون‌گراهای افراطی علیه جنرال دوستم نه تنها فرو نمی‌نشست، بلکه اوج هم می‌گرفت. او می‌نویسد: «او (جنرال دوستم) خواهان آن گردید که برای محافظت دایمی دولت‌آباد منظوری یک قطعه نظامی برایش داده شود تا دولت‌آباد مستقر گردد. موضوع فوق را آصف دلاور<sup>۱</sup> تأیید کرد، ولی جمعه اسک بنا بر تحریک منوکی منگل با آن مخالفت نمود. منوکی منگل ضمن ملاقاتی که با دکتر نجیب داشت، به او گفت اگر هر روز پیشنهادات دوستم را مبنی بر ایجاد قطعات جدید قبول نمایم، به‌زودی در هر ولایتی یک قطعه نیرومند مربوط به دوستم عرض اندام خواهد کرد و روزی فرا خواهد رسید که آن‌ها از دولت مرکزی اطاعت نکنند. همچنان از این که در اکثر پست‌ها و چوکی‌های قوماندانیت در ولایت بلخ افراد غیرپشتون توظیف گردیده‌اند، در رنج بود.» (همان: ۴۹۴-۴۹۵)

نویسنده، جنرال دوستم و قطعات تحت امر او را، ستون فقرات ارتش آن زمان می‌خواند. نویسنده باور دارد که قطعات تحت امر جنرال دوستم در لوگر و گردیز و اطراف کابل در تأمین امنیت آن مناطق و پس زدن تهاجم دشمن نقش انکارناپذیری داشته است. او، گلاویز شدن دولت با جنرال دوستم را پایان عمر دولت می‌خواند. نویسنده، خطر تلاش برای سرکوب جنرال دوستم را به نجیب‌الله گوش‌زد می‌کند، ولی او بدان ترتیب اثر نمی‌دهد. او از گفت‌وگوی خود با نجیب‌الله می‌نویسد: «در لحظات فعلی موجودیت این قطعات (جنرال دوستم) در خطوط اول محاربه در گردیز، لوگر و پوسته‌های امنیتی اطراف کابل به معنای دوام و ادامه موجودیت رژیم ما تلقی می‌گردد. در صورت عدم موجودیت و یا ترک نمودن آن نقاط از طرف آن‌ها سقوط کابل و رژیم ما حتمی می‌گردد.» (همان: ۴۹۷) نجیب‌الله نگرانی نویسنده را جدی نمی‌گیرد و در مسیری گام می‌گذارد که منوکی منگل برایش ترسیم کرده است. منگل او در پاسخ نویسنده می‌گوید: «همین اکنون اگر معاش آن‌ها (جنرال دوستم و سایر ناراضی‌ها) را قطع کنم، چاره‌ای جز تسلیمی ندارند. وضع آن‌ها خوب نیست. از من و تو کرده بیشتر می‌ترسند؛ زیرا می‌دانند که اگر بخوایم مزار، شبرغان و حیرتان را با خاک یک‌سان خواهیم نمود.» (همان: ۴۹۹)

طرح منوکی منگل این بود که بساط قوماندان‌های غیرپشتون در شمال کشور برچیده شود و جای خالی آنان با قوماندان‌های پشتون پر شود. نجیب‌الله هم روی این طرح مهر تأیید می‌زند و روند تصفیه در شمال کلید می‌خورد. براساس این طرح جنرال رسول (مشهور به بی‌خدا) به‌حیث قوماندان فرقه ۱۸ و دگروال ستار بشرمل به‌حیث قوماندان گارنیزین حیرتان توظیف می‌شود و چهار تن از قوماندان‌های غیرپشتون از جمله جنرال مومن<sup>۵</sup>، جنرال جمعه نظیمی<sup>۶</sup>، جنرال هلال‌الدین<sup>۷</sup> و جنرال احمدیار<sup>۸</sup> از وظیفه منفک و به

کابل احضار می‌شوند. بقیه به هدایت مرکز تمکین می‌کنند، ولی جنرال مومن نه. او نه‌تنها تسلیم نمی‌شود، بلکه علم عصیان علیه اوامر دولت مرکزی برمی‌افزاند و دگروال ستار را زندانی و حیرتان را به سنگر مستحکم علیه دولت تبدیل کرده با جنرال دوستم متحد و هم‌دست می‌شود (همان: ۴۹۵). نویسنده باور دارد که عصیان جنرال مومن علیه فرمان حکومت مرکزی در آغاز جدی نبود و می‌شد که بر آن معضل فایق آمد؛ ولی پشتون‌گراهای افراطی با شاخ و شانه کشیدن علیه جنرال دوستم و جنرال مومن زمینه گفت‌وگو و برگشت آن‌ها به آغوش حکومت را نابود ساختند. او می‌نویسد: «در هنگام معرفی رسول، جمعه اسک حرف‌های رکیک و زشتی به آدرس جنرال دوستم حواله کرده و متذکر می‌گردد که به‌زودی به خودکامه‌گی و زورگویی این سه نفر جنرالان ناراضی پاسخ داده می‌شود.» (همان: ۴۹۶) اگر دقت شود، اشرف غنی نیز در تله پشتون‌گراهای افراطی افتاده بود. اگر چند ادعا می‌شود که خود وی نیز قوم‌گرا بود و غیرپشتون‌ها نمی‌توانستند به دربار او بار یابند. آن چه مسلم است، این است که پشتون‌گرایی وجه مشترک زمام‌داری او و نجیب‌الله بوده است. برای اثبات این سخن، چند نمونه در ذیل ارایه می‌شود:

- اشرف غنی به نیروهای امنیتی افغانستان به‌ویژه ارتش اعتماد نداشت. این بی‌اعتمادی، از این امر ناشی می‌شد که گمان می‌کرد بدنه اصلی نیروهای امنیتی را غیرپشتون‌ها تشکیل می‌دهند. او، از نفوذ و نفوس غیرپشتون‌ها در صفوف نیروهای امنیتی هراس داشت و از این رو، تخلیه و تصفیه صفوف این نیروها از وجود غیرپشتون‌ها را در اولویت کار خود قرار داد. غنی برای آن‌که نهادهای امنیتی را از وجود غیرپشتون‌ها پاک‌سازی کند، برنامه «اصلاحات» را به راه انداخت و تحت این نام کسان زیادی را که پشتون نبودند، از صف نیروهای امنیتی دور ساخت و کسانی را به جای آن‌ها گماشت که وفادار به شخص او بودند. بی‌اعتمادی غنی به نیروهای امنیتی سخن تازه‌ای نیست و بسیاری از کسانی که در مناصب بلند دولت او کار کرده‌اند، این ادعا را مطرح کرده‌اند. پس از سقوط جمهوری، نوشته‌ای از آدرس عبدالله آزاده خنجانی، معین پالیسی وزارت دولت در امور صلح، در فضای مجازی منتشر شد که به قومی‌سازی ارتش از سوی اشرف غنی اشاره داشت. ایشان در آن نوشته یکی از عوامل شکست ارتش در برابر طالبان را تطبیق برنامه «اصلاحات» اشرف غنی خوانده بود که هدف اصلی آن پاک‌سازی نهادهای امنیتی از وجود غیرپشتون‌ها بود. به باور خنجانی، آقای غنی سقوط نجیب‌الله را نتیجه عصیان نظامی‌های غیرپشتون می‌خوانده است. از این رو، برای آن‌که جلو واقعه را قبل از وقوع گرفته باشد، تصفیه صفوف نیروهای امنیتی از وجود غیرپشتون‌ها را وجه همت خود قرار داد و عملی هم کرد. همچنان به‌تازگی اداره بازرسی ویژه ایالات متحده آمریکا (سیگار) با نشر گزارشی به عوامل فروپاشی ارتش پیشین افغانستان پرداخته است. در این گزارش قومی‌سازی ارتش از سوی اشرف غنی یکی از عوامل مهم در فروپاشی آن خوانده شده است. (رک: خبرگزاری فارس: ۹-۱۲-۱۴۰۱)

- روزهایی که شهر هرات در آتش جنگ می‌سوخت، حکومت مرکزی نسبت به وضعیت آن شهر در بی‌التفاتی به سر می‌برد. جنگ علیه طالبان از آدرس نیروهای مردمی را محمداسماعیل خان رهبری می‌کرد. موصوف پشتون‌تبار نبود و با اشرف غنی هم میانه خوبی نداشت. با آن هم در آن روزهای دشوار در کنار مردم هرات ایستاد. موصوف بارها از حکومت مرکزی طالب کمک شد، ولی به مطالبه او ترتیب اثر داده نشد. همچنان گفته می‌شود در جلسه‌ای که میان نماینده‌گان مردم

هرات در مجلس نماینده‌گان و مقام‌های حکومتی برگزار شده بود، پیشنهاد شده بود که برای مدیریت بهتر جنگ در هرات نیاز است تا اسماعیل خان به‌حیث والی این ولایت گماشته شود؛ چون از نفوذ و محبوبیت در میان مردم برخوردار است و در جنگ نیز مردی کارگشته و آبدیده است؛ اما دکتر حمدالله محب، مشاور امنیت ملی وقت، با این پیشنهاد مخالفت ورزیده بود. مخالفت ایشان با این پیشنهاد را جز این نمی‌توان تعبیر کرد که سقوط شهر هرات به دست طالبان را ترجیح می‌داده است بر این که اسماعیل خان والی آن ولایت شود.

- ولایت بلخ هم سرنوشتی شبیه هرات داشت. در این ولایت مارشال دوستم و عظامحمد نور در کنار نیروهای امنیتی علیه طالبان می‌رزیدند. هر دو از بی‌مهری حکومت مرکزی نسبت به شهر مزارشرف شکایت داشتند. وضعیت در مزار از سوی حکومت مرکزی به‌گونه‌ای سامان‌دهی شده بود که قول‌اردوی مزار با مارشال دوستم و عظامحمد نور همکاری نداشتند. قول‌اردوی مزار در آن زمان از سوی یک نظامی پشتون‌تبار اداره می‌شد. اختیارات و امکانات جنگی در قول‌اردو متمرکز شده بود. قول‌اردو از یک سو مطالبات این دو را جدی نمی‌گرفت و از سپردن تجهیزات جنگی به قطعات تحت امر آن‌ها اجتناب می‌ورزید و از دیگر سو، اراده و اداره‌ای برای جنگ علیه طالبان در قول‌اردو وجود نداشت. این ادعایی است که بارها در مصاحبه‌های مارشال دوستم و عظامحمد نور با رسانه‌ها مطرح شده است. (رک: بی‌بی‌سی فارسی: ۵-۶-۱۴۰۰) می‌توان این‌گونه استنباط کرد که سقوط مزار به دست طالبان ترجیح داده می‌شد بر وضعیتی که مارشال دوستم و عظامحمد نور بر آن مسلط باشند.

## ۲- تفرقه بینداز و حکومت کن

به باور نویسنده، سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» خاصه نجیب‌الله بود. این سیاست معطوف به استفاده از یک قوم علیه قوم دیگری بود. بنا بر ادعای نویسنده، او با توسل به پشتون‌ها می‌خواست اوزبیک‌ها را مهار کند یا هم برعکس. این سیاست در ولایت جوزجان علیه جنرال دوستم اعمال شده بود. جنرال دوستم با وصف آن‌که به زعم نویسنده سرباز صادق و وفادار به دولت بود، با آن هم نجیب‌الله از رشد و نفوذ او در شمال هراس داشت و تلاش می‌ورزید با توسل به ابزارهای گوناگون او را مهار کند. برای مهار جنرال دوستم در شمال، کسی به نام عبدالرسول (مشهور به بی‌خدا) را به‌حیث افسر سارندوی در جوزجان فرستاده بود که بعدها اختیارات بیشتری به او داده شد. او وظیفه‌ای نداشت جز خلق درد سر برای جنرال دوستم. عظیمی می‌نویسد: «این سیاست تفرقه‌اندازی و حکومت کردن، خاصه نجیب‌الله بود؛ زیرا که رسول هیچ‌گونه پایگاه مردمی در جوزجان نداشت. فقط شخصی بود که بنا بر دستور مرکز در آنجا نازل شده بود و علیه دوستم استعمال می‌شد. روزی نبود که رسول بالای تقسیم مناطق، انسداد نمودن راه‌ها و سایر مسایلی خرد و بزرگ با دوستم در جنگ و ستیز نباشد.» (عظیمی، ۱۳۷۸: ۳۴۲)

مارشال دوستم در عصر زعامت اشرف غنی هم با این سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» دست در پنجه بود. غنی نمی‌توانست حضور قدرت‌مند و فعالانه مارشال دوستم در شمال کشور را برتابد؛ از این رو، به دنبال شکار فرصت بود برای مهار و به انزوا راندن او. البته با یک تفاوت که غنی با توسل به اوزبیک‌ها مارشال دوستم را می‌خواست مهار کند. فریه کردن نظام‌الدین قیصاری، احمد ایشچی و فرزندان او... در برابر مارشال دوستم تلاش‌های سامان‌مند و عامدانه‌ای بود که از سوی اشرف غنی برای مهار او صورت می‌گرفت. تحدید حدود صلاحیت‌های قانونی او در هنگامی که معاون اول ریاست جمهوری بود و ممانعت او از جنگ در برابر طالبان را نیز می‌توان تلاشی در همین راستا دانست. خلع دوستم از قدرت و به انزوا راندن او از سوی نجیب‌الله و اشرف غنی بیش از آن‌که به سود آن دو تمام شود، منتهی به زیان ویرانگر شد.

## ۳- فساد و مدارا با فسادپیشه‌گان

نویسنده، ادعای فساد علیه نجیب‌الله را رد نمی‌کند. این‌که او دستی در فساد نداشته باشد را تردیدپذیر می‌داند. در بسی زمین‌ها از نجیب‌الله به نیکی یاد می‌کند، ولی قصه فساد که فرا می‌رسد، دم فرو می‌بندد و نمی‌تواند به قاطعیت از او دفاع کند. او می‌نویسد: «شایعه بود که وی (نجیب‌الله) به پول و ثروت زیادی در هنگام ریاست امنیت دولتی رسیده بود و هنگامی که رییس جمهور شد و آخرین روزهایش را می‌گذراند، مقدار زیاد اسعار خارجی را به هندوستان ذریعه خانمش انتقال داده بود. حرف‌ها و صحبت‌های خودش که شبی با من در میان گذاشت، تا حدودی به این شایعات صحت می‌گذاشت. پس با تردید می‌توان گفت که دستاوردش پاکیزه بوده است.» (همان: ۳۲۷)

نویسنده ادعا می‌کند که شایعه‌ها مبنی بر دست داشتن نجیب‌الله در فساد مالی زمانی بیشتر اوج گرفت که ناراضی‌ها علیه او در شمال کلید خورد؛ چون بسیاری‌ها فکر می‌کردند که این ناراضی‌ها بساط قدرت او را برمی‌چیند و هنگام سقوط ممکن است پول بیشتری را با خود به خارج انتقال دهد. نه‌تنها مردم، رفقای حزبی او نیز به اشاعه این شایعه می‌پرداختند. او می‌نویسد: «در شهر کابل شایعه‌ای مبنی بر فرار نمودن وی (نجیب‌الله) پخش شده بود و روزتاروز قوت می‌گرفت. مردم می‌گفتند او مقدار زیادی از پول‌های بی‌شماری را که توسط طیاره‌های روسی از مسکو به کابل فرستاده می‌شود، به دالر تبدیل کرده و همراه با فامیلش توسط طیاره آریانا به دلهی فرستاده است. رفقای حزبی عصبانی و پرخاشگر بودند و قسم یاد می‌کردند که از فرار وی جلوگیری کنند.» (همان: ۵۰۸) اشرف غنی که خود را پرچم‌دار مبارزه با فساد می‌دانست، گزارشاتی مبنی بر دست داشتن وی در فساد وجود دارد. درست است که غنی شعار مبارزه علیه فساد را سر می‌داد، ولی رفتار ایشان با فسادپیشه‌گان دوگانه بود. ادعا می‌شود که او در برابر فسادپیشه‌گی کسانی که به او وفادار بودند، سکوت پیشه می‌کرده است. روشن‌ترین و بزرگ‌ترین ادعایی که علیه فسادپیشه‌گی اشرف غنی مطرح می‌شود، این است او هنگام فرار از افغانستان پول هنگفتی را با خود انتقال داده است. پس از فرار اشرف غنی یکی از مقام‌های دیپلماتیک روسی در رسانه‌ها بیان داشت که اشرف غنی، رییس جمهور پیشین افغانستان، در حالی که با موترهای پر از پول اسکورت می‌شد، از افغانستان فرار کرد؛ ادعایی که از سوی غنی و نزدیکانش همواره رد شده است. (رک: خبرگزاری ایرنا، ۲۵ اسد ۱۴۰۰. کد خبر: ۸۴۴۳۹۰۸۵)

فساد از آن‌جا وجه مشترک میان نجیب‌الله و اشرف غنی است که ادعا می‌شود هر دو هنگام فرار از افغانستان می‌خواستند با خود پول هنگفتی را انتقال دهند.

## ادامه دارد...

۱. پس از آن‌که قانون اساسی در زمان ریاست جمهوری نجیب‌الله از نو تصویب شد، «جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان» به «جمهوری افغانستان» تبدیل شد.
۲. پس از آن‌که نیروهای نظامی شوروی از افغانستان خارج شدند، جنگ داکتر نجیب‌الله با گروه مجاهدین، «دفاع مستقلانه» خوانده شد.
۳. قوماندان عمومی گروه اوپراتیفی شمال بود. با جنرال دوستم میانه خوبی نداشت. برنامه این بود تا موازنه در شمال به سود او و ضرر جنرال دوستم حفظ شود.
۴. به‌حیث رئیس ستاد ارتش کار می‌کرد و دوست‌دار جنرال دوستم بود. نویسنده می‌گوید که یکی از مأموریت‌های منوکی منگل در شهر مزار تیره ساختن روابط میان آن دو بود.
۵. قوماندان عمومی حیرتان بود.
۶. در فرقه ۱۸ بلخ ایفای خدمت می‌کرد و تنها از جنرال دوستم فرمان می‌برد.
۷. قوماندان مفرزه هوایی شهر مزارشرف بود و از جنرال جمعه اسک اطاعت نمی‌کرد.
۸. قوماندان سارندوی ولایت بلخ بود و از جنرال جمعه اسک اطاعت نمی‌کرد.

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر

خبرنگار ارشد: امین کاوه

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media

پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰

نشانی پستی: ۰۲۵-۰۳۸

صندوق پستی: ۰۷۸۸۸۸۷۹۹

۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صبح  
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل Sanjar.sohail@8am.media

مدیرمسئول: محمد محقق Mohammad.moheq@8am.media

سردبیر: حبیب بهش Hasib.bahesh@8am.media

مسئول افغانستان: شاحسین رسولی

تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی

دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

**Publisher:**  
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

**Editor-in-Chief:**  
Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media

Youtube.com/Hashtesubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.media\_official

www.8am.media



برنیاد گزارش‌ها، لی کیانگ از سوی شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، به‌عنوان نخست‌وزیر این کشور معرفی شده و او به‌گونه رسمی توسط پارلمان این کشور نیز تأیید شده است. رسانه‌های بین‌المللی روز شنبه، ۱۱ مارچ، گزارش داده‌اند که در مجموع دو هزار و ۹۶۳ نماینده کنگره ملی خلق چین به آقای لی که توسط شی جین پینگ معرفی شده بود، رای داده‌اند. او سپس سوگند یاد کرده و افزوده که به قانون اساسی چین وفادار باشد و برای ساختن یک کشور مرفه، قوی، دموکراتیک، متمدن، هماهنگ و بزرگ و مدرن سوسیالیستی تلاش کند. لی ۶۳ ساله که متحد نزدیک شی است، به‌عنوان یک عمل‌گرا شناخته می‌شود و وظیفه احیای اقتصاد در حال مبارزه چین را برعهده خواهد داشت.



زرداری:

## جامعه جهانی نباید احساس مسلمانان در برابر اسلام‌هراسی را دست‌کم بگیرد

بلاول بوتو زرداری، وزیر امور خارجه پاکستان، در سخنرانی در مقر سازمان ملل متحد گفته است که جامعه جهانی نباید احساس مسلمانان را در برابر اسلام‌هراسی‌های عمدی دست‌کم بگیرد. دان، از رسانه‌های پاکستان، روز شنبه، ۱۱ مارچ، گزارش داده که بلاول زرداری بوتو در نشست سازمان ملل در نیویارک گفته است که مسلمانان به ناحق در پی اسلام‌هراسی‌های عمدی هدف قرار گرفته‌اند؛ اما این موضوع کمتر بازتاب یافته است.

وزیر امور خارجه پاکستان گفته است: «خطرات اسلام‌هراسی اکثراً زمانی توجه جهانی را به خود جلب می‌کند که یک عمل فجیع خشونت‌آمیز و تروریستی، مسلمانان بی‌گناه را مورد حمله قرار می‌دهد؛ در حالی که تبعیض و نفرت روزانه علیه مسلمانان تا حد زیادی نادیده گرفته می‌شود.»

بلاول زرداری بوتو خواستار انتصاب نماینده ویژه سازمان ملل برای مبارزه با اسلام‌هراسی، اتخاذ تدابیر بین‌المللی برای محافظت از اماکن مقدس و تصویب قوانینی برای غیرقانونی کردن سخنان نفرت‌انگیز شده است.

در همین حال، آنتونیو گوتیش، دبیر کل سازمان ملل متحد، در پیامی در محکومیت اسلام‌هراسی هشدار داده که مسلمانان با نفرت فزاینده‌ای روبه‌رو هستند. این گفته‌ها در آستانه تجلیل از ۱۵ مارچ، روز جهانی مبارزه با اسلام‌هراسی، بیان شده است.

## بریتانیا:

## پیشروی روسیه در باخموت ممکن است با خسارات سنگین همراه باشد

آسوشیتد پرس، ناوقت روز شنبه، ۱۲ مارچ، به نقل از مقامات ارتش بریتانیا، گزارش داده است که نیروهای روسی در عملیات خود برای تصرف شهر باخموت در شرق اوکراین، پیشرفت کرده‌اند؛ اما تداوم حمله آن‌ها بدون تلفات جانی دشوار خواهد بود.

وزارت دفاع بریتانیا در آخرین ارزیابی خود اعلام کرده که واحدهای شبه نظامی گروه واگنر تحت کنترل کرملین بیشتر بخش شرقی باخموت را تصرف کرده‌اند و رودخانه‌ای که از میان شهر می‌گذرد نیز اکنون خط مقدم نبرد را نشان می‌دهد.

این شهر معدنی در دونتسک، یکی از چهار منطقه اوکراین قرار دارد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه سال گذشته به طور غیرقانونی آن را ضمیمه کرد.

وزارت دفاع بریتانیا ادعا که نیروهای گروه واگنر و خطوط تدارکاتی اوکراین در برابر «تلاش‌های مستمر روسیه برای دور زدن مدافعان از شمال و جنوب» آسیب‌پذیر هستند، زیرا نیروهای گروه واگنر تلاش

می‌کنند در یک حرکت غافل‌گیرانه به آنها نزدیک می‌شوند.

با این حال، این وزارتخانه افزود، «پیشروی سربازان واگنر بسیار چالش برانگیز خواهد بود زیرا به اوکراین پل‌های کلیدی روی رودخانه را ویران کرده است، در حالی که شلیک تک تیراندازان اوکراینی از ساختمان‌های مستحکم در غرب، نوار نازکی از زمین باز را در مرکز شهر ایجاد کرده است.»

ستاد کل نیروهای مسلح اوکراین نیز گزارش داده که روسیه روز شنبه، ۱۱ مارچ، دست‌کم ۳۴ حمله را از چند موشک انداز به مناطق مختلف این کشور انجام داده است.

به گفته این مرکز، گلوله باران روسیه از صبح جمعه تا صبح شنبه در شهرهای خرسون و دونتسک دست‌کم پنج کشته و ۱۹ زخمی بر جای گذاشته است.

بر بنیاد گزارش‌های نشر شده، دونتسک، جایی که باخموت در آن واقع شده، در چندماه اخیر، همه‌روزه گواه گلوله باران نیروهای روسی بوده است.



## ادامه اعتراضات ضد دولتی در اسرائیل؛ بیش از ۳۰۰ هزار تن به جاده‌ها برآمدند

معترضان خواستار لغو لایحه اصلاحات قضایی‌اند که برنیاد آن پارلمان اسرائیل صلاحیت پیدا می‌کند تا بعضی از دستورات دادگاه عالی این کشور را لغو کند.



بیش از ۳۰۰ هزار اسرائیلی شنبه‌شب، ۱۱ مارچ، در سراسر این کشور در دهمین هفته متوالی علیه تلاش‌های دولت برای بازنگری اساسی در سیس قضایی این کشور تظاهرات کردند.

معترضان خواستار لغو لایحه اصلاحات قضایی‌اند که برنیاد آن پارلمان اسرائیل صلاحیت پیدا می‌کند تا بعضی از دستورات دادگاه عالی این کشور را لغو کند.

به گفته معترضان، اعطای چنین صلاحیتی به پارلمان باعث آسیب رساندن به دموکراسی می‌شود.

رسانه‌های بین‌المللی به نقل از سازمان‌دهندگان این راه‌پیمایی گزارش داده‌اند که حدود نیم میلیون تن در سراسر اسرائیل به شهرها برآمده‌اند.

آنان هشدار داده‌اند در صورتی که دولت قوانین بازنگری را لغو نکند، با اعلام برنامه‌ریزی شده «روز تشدید مقاومت» برای پنج‌شنبه، واکنش‌های خود را بیشتر خواهند کرد.

به گفته سازمان‌دهندگان این تظاهرات‌ها، روز چهارشنبه هفته جاری آن‌ها تلاش خواهند کرد تا سفر برنامه‌ریزی شده بنیامین نتانیاهو به برلین را نیز مختل کنند.

پیشتر گزارش‌هایی از مختل شدن سفر لوئید آستین، وزیر دفاع آمریکا به تل‌آویو نیز به دلیل گسترش اعتراضات در این کشور به نشر رسیده بود.

گفتنی است که تظاهرات علیه نتانیاهو برای دهمین هفته متوالی ادامه دارد و در این راه‌پیمایی‌ها فرماندهان پیشین نیروی هوایی، فرماندهان پولیس، قضات دادگاه‌ها و افسران ارشد این کشور نیز شرکت دارند. با این حال، دولت اسرائیل همواره از معترضان به نام اغتشاش‌گر یاد کرده، اما با گذشت هر هفته تعداد آنان رو به افزایش است.

## کشته شدن زن و شوهر آمریکایی با ضرب گلوله شکاری

پیدا شده است. دارل لو، رئیس پولیس ردمنوند، در یک نشست خبری گفته است که مظنون این رویداد با شلیک به خود، به زنده‌گی‌اش پایان داده است.

هنوز انگیزه قتل این زن و شوهر از سوی یک مرد ظاهراً شکارچی معلوم نیست. گفتنی است که رویدادهای مرموز تیراندازی‌های مرگبار در آمریکا اخیراً افزایش یافته است. براساس گزارش‌ها، این کشور دست‌کم هر هفته یک بار گواه رویدادهای مرگبار تیراندازی است.

به گزارش رسانه‌های بین‌المللی، یک زن و شوهر آمریکایی در خانه‌شان با ضرب گلوله شکاری کشته شده‌اند.

ای‌بی‌سی نیوز گزارش داده که این رویداد بامداد جمعه، ۱۱ مارچ، به وقت محلی در ساحه ردمنوند واشنگتن‌دی‌سی آمریکا رخ داده است. برنیاد اطلاعات نشر شده، جسد مظنون این رویداد که رامین خداکرم‌رضایی نام داشته، نیز در محل وقوع رویداد



## اتحادیه عرب توافق سعودی و ایران را گامی در راستای تحقق ثبات منطقه‌ای دانست

کمک کند.»

دبیرکل اتحادیه عرب همچنان تلاش‌های چین، عراق و سلطنت عمان در کمک به دست‌یابی به این توافق‌نامه را تحسین کرده است.

اتحادیه اروپا نیز ساعاتی پیش طی بیانی‌های از توافق‌نامه برقراری دوباره روابط دیپلماتیک میان عربستان سعودی و ایران استقبال کرد.

در این بیانی‌ها آمده است که به دلیل نقش مهم سعودی و ایران در امنیت منطقه‌ای، ازسرگیری روابط میان دو کشور می‌تواند در برقراری ثبات منطقه‌ای نقش داشته

در ادامه استقبال‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از توافق ازسرگیری مناسبات میان سعودی و ایران، دبیرکل اتحادیه عرب اعلام کرده است که این توافق می‌تواند به تحقق ثبات منطقه‌ای کمک کند.

رسانه‌های بین‌المللی روز شنبه، ۱۱ مارچ، به نقل از احمد ابوالغیط، دبیرکل اتحادیه عرب، گزارش داده‌اند که او گفته است: «این توافق‌نامه به رویارویی میان دو کشور در بازه بیش از هفت سال، پایان می‌دهد و گامی است که می‌تواند بیانگر فاز مثبت جدیدی در روابط دوجانبه باشد که چه بسا به تحقق بخشی از ثبات منطقه‌ای



باشد.

گفتنی است که دولت‌های عربستان سعودی و ایران روز گذشته طی بیانی‌های از توافق برای ازسرگیری روابط دوجانبه خبر دادند.

در نتیجه گفت‌وگوهای انجام‌شده، دو طرف توافق کرده‌اند که تا دو ماه دیگر روابط دیپلماتیک را از سر گرفته و سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌هایشان را بازگشایی کنند.